

سخن‌ناشر

دوتا فیلسوف رو دیدین که چه‌طوری با هم بحث می‌کنن؟ دمای بحثشون اون‌قدر می‌زنه بالا که آدم فکر می‌کنه دارن دعوا می‌کنن. غافل از ثانیه‌ها و دقایق، ساعت‌ها مجادله می‌کنن. شاید فقط برای دستشویی رفتن چند دقیقه‌ای کات کنن! (هتی مواردی هم دیده شده که طرف از توی دستشویی هم بمشش رو دنبال می‌کنه.) به نظرتون این شور و اشتیاق بی‌حد به بحث‌های فلسفی نشونه‌ی به نوع عشق نیست؟ حتماً هست! فلسفه عشق به داناییه و بحث‌های فلسفی قولنج ذهن رو می‌شکونه و فکر رو گسترش می‌ده. برای همین همیشه می‌گم خوش به حال کسانی که می‌فلسفن!

خیلی ممنون از حمید سودیان و محمدجواد سده‌دهی عزیز که این کتاب خوب رو نوشتین و سپاس از سعید جان احمدپور و محمد آقای مازنی؛ الحق و الانصاف کیفیت کتاب‌های انسانی‌مون رو از این دوستان داریم و مریم خانم طاهری و الهه خانم آرانی، مرسی که با صبر و پیگیری‌های منظم‌تون این کتاب رو به سرانجام خوبی رسوندید.

برویچه‌های تولید خیلی‌سبز خیلی کارتون درسته. مثل همیشه گل کاشتید. دم همتون از دم گرم.

فلسفه زندگی تان مستدام!

مقدمه مؤلف

افلاطون، پدر ایدئالیسم، بر این باور بود که هر پدیده، یک نمونه‌ی اصیل، جاودانه و بی‌نقص داره؛ نمونه‌ای که نه توی جهان، بلکه در عالمی فراتر به نام «عالم مُثُل» وجود داره. از اون زمان به بعد، اهل فلسفه هر وقت بخوان بگن چیزی به بالاترین حد کمال خودش نزدیک شده، می‌گن این همون «نمونه‌ی مثالی» یا «ایده‌آل» شه.

راستش وقتی سال ۹۸ کتاب تست فلسفه و منطق رو نوشتیم، خودمون هم می‌دونستیم که با ایده‌آل افلاطونی یک کتاب تست فلسفه و منطق فاصله‌ی زیادی داشت. اون کتاب در شرایطی نوشته شد که نظام آموزشی تازه تغییر کرده بود و فرصت چندانی برای شناخت چهره‌ی جدید کنکور وجود نداشت، اما

کتابی که الان دست توه، حاصل شش سال فکر کردن، تدریس کردن، آزمون گرفتن، آزمون دیدن و دوباره نوشتن. تا لحظه‌ای که این مقدمه رو می‌نویسم، ۱۵ کنکور نظام جدید برگزار شده و حالا دیگه کنکور، چهره‌ی واقعی خودش رو به ما نشون داده. به همین خاطر، وقش رسیده بود که کتاب تست ایده‌آل فلسفه و منطق، تجلی‌ی جسمانی پیدا کنه و از عالم مُثُل با به جهان طبیعت کنکور بذاره!

فکر می‌کنی دارم اغراق می‌کنم؟! خب معلومه که کاملاً درست فکر می‌کنی!! ((هیچ کتابی واقعاً ایده‌آل نیست و همیشه جا برای بهتر شدن وجود داره. شاید بهترین شاهدش خودم باشم؛ هر سال که احساس می‌کنم کتاب دیگه همه‌چی تمومه، چند ماه بعد ایده‌های تازه‌ای به ذهنم می‌رسه که دلم می‌خواد به اون اضافه کنم. احتمالاً چند سال دیگه هم دوباره همین حس رو خواهیم داشت، اما انصافاً این کتاب از هر چیزی که تا امروز نوشتیم، به اون تصویر ذهنی «کتاب تست ایده‌آل فلسفه و منطق» نزدیک‌تر شده. به همین خاطر، اگر به عنوان یک شوخی افلاطونی، اسم این کتاب رو «ایده‌آل فلسفه و منطق» بذارم، فکر می‌کنم این اغراق، خیلی هم بی‌راه نباشه!

اما اگر این کتاب حتی چند قدم به اون ایده‌آل نزدیک شده باشه، سهمش فقط از آن من نیست. از همکاران تألیف عزیز و کاربلد، ویراستاران دقیق و نکته‌سنج، مدیر تألیف باتجربه، کارشناسان حرفه‌ای خیلی‌سبز، مسئول پروژه پیگیر، خانواده‌ام که ساعت‌های طولانی تألیف را با صبوری تحمل کردند و مهم‌تر از همه، ده‌ها دبیر همکار و هزاران دانش‌آموزی که با سؤال‌ها، نقدها و تجربه‌هایشان هر سال معلم و مؤلف بهتری از من ساختند، صمیمانه سپاس‌گزارم. و به طور خاص از رتبه‌برترهایی که کتاب رو دقیق کارشناسی کردند و دبیران محترمی که در جلسه‌ی هم‌اندیشی و نقد کتاب ما حضوری تشریف آوردند یا بعداً مجازی نقدهاشون رو منتقل کردند، تشکر ویژه می‌کنم و بهشون اطمینان می‌دم که بخش‌های مهمی از این کتاب براساس نظرات فنی و دقیق این عزیزان تکامل پیدا کرده.

اگر دوست داشتی بعد از این کتاب هم همراهم باشی، خوشحال می‌شم در کانال‌ها و صفحه‌های آموزشیم کنارت باشم؛ جایی که هر روز آموزش‌های رایگان، تحلیل آزمون‌ها، نکته‌های کنکوری و اخبار کلاس‌های آنلاینم رو منتشر می‌کنم.

و در پایان، پیش از هر امضایی، سر بر آستان پروردگارم فرود می‌آورم و او را شکر می‌کنم که اگر خوبی و توفیقی در این کتاب هست، از اوست و اگر نقصی هست، از من. خداوندا، این کتاب را برای هر دانش‌آموزی که آن را می‌خواند، وسیله‌ای برای فهم عمیق‌تر، موفقیت بیشتر و گشایش در مسیر آینده‌اش قرار بده. آمین.

دوستدار شما دکتر حمید سودیان طهرانی

Telegram: @Dr_Soudian_falsafemantegh

Instagram: @Soudian.falsafemantegh

Bale: ble.ir/ Dr_Soudian_falsafemantegh

مسلط باش، آسوده شو.

تقدیم به

تقدیم به: معلمان ایده‌آل زندگی‌م: مهندس

داود معصومی، استاد عبدالرضا مفید

و دکتر مهدی اصفهانی؛ سایه‌هایشان

مستدام. حمید سودیان طهرانی

تقدیم به: تمام افرادی که دغدغه

بهبتر بودن دارند و برای آن تلاش می‌کنند.

محمدجواد سده‌دهی

آشنایی با فلسفه و منطق خیلی سبز

یک اسکن، همه چیز در دسترس

اول از همه باید فعال سازی پنل کتاب رو انجام بدی تا به همه محتواها و امکانات دسترسی داشته باشی.

گام
سوم



کد اسکرچ رو بعد از خراشیدن ثبت و فعال سازی کنی. (فقط برای بار اول)

گام
دوم



با شماره موبایل
وارد بشی

گام
اول



فقط کافیه QR Code
کتاب رو اسکن کنی!

حالا بریم ببینیم با فعال شدن
پنل کتاب چیا گیرمون میاد؟!

حل ویدیویی سؤالات

گاهی اوقات برای یادگیری بهتر فقط خواندن پاسخ نامه تشریحی کافی نیست و لازمه مسیر حل سؤال رو هم مرحله به مرحله بررسی کنی. به همین دلیل بسیاری از سؤالات مهم و تپیکال این کتاب، توسط اساتید درجه یک کنکور به صورت ویدیویی حل شده تا بتونی علاوه بر پاسخ صحیح، روش فکر کردن و رسیدن به جواب رو هم یاد بگیری ...!

- ✓ اشتباهات رایج و دام های احتمالی هر مبحث را بشناسید.
- ✓ در مباحث دشوار، درک عمیق تری از مفاهیم و روش حل پیدا کنید.
- ✓ پاسخ و روش خود را با راه حل تشریحی ویدیویی مقایسه کنید.
- ✓ هر ویدیو را در زمان دلخواه بازبینی و دوباره مشاهده کنید.

۸۱۶
حل ویدیویی

آزمون‌های تعاملی

آزمون‌های تعاملی این کتاب فرصتی برای سنجش آموخته‌ها، تمرین و پیشرفت است. این کتاب شامل ۵۳ آزمون تعاملی است که در جلد ضمیمه قرار داده شده است. هر جا علامت  را دیدید بدانید و آگاه باشید که وقت آزمون دادن است. امکاناتی مثل رؤیت فوری پاسخ‌ها، مقایسه عملکرد با سایرین و کارنامه تحلیلی از ویژگی‌های این آزمون است. کافی است وارد پنل کتاب شوید و شماره آزمون مورد نظر را در نوار search وارد کنید. حالا وقت آزمون دادنه...!



کامل‌تر و غنی‌تر از همیشه!

در این چاپ، فقط امکانات بیشتر نشده؛ کل مسیر از نو طراحی شده! از دلِ کنکور، مسیر یادگیری ساختیم.

سال‌هاست که کنکور فقط سؤال طرح نمی‌کنه؛ مهارت پاسخ‌دادن رو می‌سنجه، به همین دلیل در این چاپ به جای این‌که صرفاً تعداد تست‌ها رو بیشتر کنیم، تک‌تک سؤال‌های کنکورهای نظام جدید رو دوباره کالبدشکافی کردیم. هر سؤال رو به ریزمهارت‌های لازم برای پاسخگویی شکستیم، این ریزمهارت‌ها رو در تست‌های «آموزش و تمرین» آموزش دادیم، در «تسلط و تثبیت» کنار هم نشوندیم و هر جا لازم بود، در بخش «۱۰۰ شو» از سطح همون سؤال هم فراتر رفتیم. نتیجه این شد که هر سؤال کنکور، دیگه یک مقصد تنها نیست، پایان مسیری که قدم به قدم اون رو در این کتاب طی می‌کنی، تاروز کنکور احساس نکنی با سؤال تازه‌ای روبه‌رو شدی.

هر تست، ارزش وقت رو داشته باشه.

اگر هدفمون فقط زیاد کردن تعداد تست‌ها بود، این کار به سادگی ممکن بود، چون تست‌های تألیف‌شده آماده به تعداد خیلی زیاد داشتیم، اما آگاهانه این مسیر رو انتخاب نکردیم. هر تستی که ارزش یادگرفتن و تحلیل کردن نداشت، حذف شد تا زمانت صرف سؤال‌هایی بشه که واقعاً تو رو جلو می‌برند. اگر هم تکراری وجود داره، هدفمند و به عنوان ابزار یادگیری، به اندازه به کار گرفته شده. باور ما اینه که کیفیت یادگیری، مهم‌تر از تعداد صفحه‌ها و تست‌هاست تا هیچ دقیقه‌ای از وقت صرف تستی نشه که چیزی به دانش و مهارت اضافه نمی‌کنه.

سه ابزار جدید برای یادگیری عمیق‌تر

- **نقشه‌هوابی؛** برای این‌که تصویر کلی درس رو یکجا ببینی و بین این همه مطلب و مبحث گم نشی.
 - **تیپ‌شناسی سؤال‌های کنکور؛** برای این‌که الگوهای پرتکرار کنکور رو دقیق و تحلیلی و درس به درس بشناسی.
 - **استراتژی مواجهه؛** برای این‌که بدونی با هر تیپ سؤال چه کار باید بکنی؛ هم برای یادگیری، هم سر جلسه کنکور.
- این سه ابزار کنار هم کمک می‌کنند بدونی **چی بخونی، چه طور بخونی و سر جلسه آزمون چه تصمیمی بگیری.**

حاصل یک گفت‌وگوی انتقادی

این کتاب فقط حاصل تجربه مؤلف نیست. بسیاری از ایده‌های این چاپ، از جمله نقشه‌های هوابی، پس از انتشار چاپ قبل و در نتیجه بازخورد دانش‌آموزان، بازبینی کتاب توسط رتبه‌های برتر کنکور و جلسات هم‌اندیشی با جمعی از دبیران برجسته شکل گرفت تا نسخه‌ای کامل‌تر و پخته‌تر پیش روی تو باشه و مطمئن باشی این کتاب قبل از رسیدن به دست تو بارها نقد، بازبینی و اصلاح شده.

هر ابزار، در زمان مناسب

یادگیری و آزمون، دو مهارت متفاوت‌اند؛ به همین دلیل ابزارهاشون رو هم از هم جدا کردیم. آزمون‌های کتاب رو به ضمیمه تعاملی منتقل کردیم تا مسیر یادگیری و مسیر سنجش از هم جدا باشند و از هر ابزار، دقیقاً در همون زمانی استفاده کنی که بیشترین اثر رو بر یادگیری و نتیجه‌ت داره.



سطح‌بندی دقیق و چیدمان مهندسی‌شده



داشتن تست‌های خوب کافی نیست؛ مهم‌تر از اون، اینه که هر ابزار رو در زمان درست و به شکل درست به کار بگیری. به همین دلیل، ساختار کتاب رو طوری طراحی کرده‌ایم که از اولین مرور هر درس تا آخرین تست کنکور، بدونی در هر مرحله دقیقاً چه کاری باید انجام بدی.

ابزارهای یادگیری در متن کتاب

معرفی

آیکون

تصویر کلی و ارتباط مفاهیم هر درس را در چند دقیقه ببین.	 نقشه‌هوائی
مفاهیم رو قدم‌به‌قدم یاد بگیر و ریزمهارت‌های لازم رو درونی کن.	آموزش و تمرین
آموخته‌ها رو ترکیب کن و برای تست‌های واقعی آماده شو.	تسلط و تثبیت
خودت رو با دشوارترین و خلاقانه‌ترین سؤال‌ها به چالش بکش.	۱۰۰شو
سطح آمادگی خودت رو با سؤال‌های واقعی کنکور محک بزن.	کنکور سراسری
سؤال‌های ترکیبی چند درس یا چند کتاب رو از قبل تجربه کن.	MIX
الگوهای پرتکرار سؤال‌های کنکور رو بشناس و با سطح دشواری، زمانبندی و محتواهای مورد علاقه‌ طراح کنکور آشنا شو.	 تیپ‌شناسی سؤال‌ات کنکور
برای هر تیپ سؤال، بهترین روش مواجهه و تصمیم‌گیری رو، هم در مرحله یادگیری و هم سر جلسه کنکور یاد بگیر و کاملاً حرفه‌ای شو.	 استراتژی پاسخگویی و مرور نکات مهم
توی مقدمه ضمیمه آزمون‌های تعاملی پیداش می‌کنی؛ یک ابزار قدرتمند برای این که یاد بگیری چه جوری بعد از هر آزمون اشتباهات رو ریشه‌یابی و اصلاح کنی.	چک‌لیست تحلیل آزمون

حُب!

حالا یک قول، من؛ یک قول، تو.

من قول می‌دم هر تستی که توی این کتاب مونده، ارزش وقت‌گذشتن و تحلیل‌کردن داشته باشه. تو هم قول بده هیچ تستی رو فقط برای پیدا کردن گزینه درست نزنی. تست‌های «آموزش و تمرین» رو برای یاد گرفتن، «تسلط و تثبیت» رو برای حرفه‌ای شدن و «۱۰۰شو» رو برای به چالش کشیدن خودت استفاده کن. یادت باشه تست‌های «آموزش و تمرین» برای سنجیدن تو طراحی نشدن؛ برای یاد دادن به تو طراحی شدن؛ پس اگر دیدی گزینه جواب راحت قابل تشخیصه، باز هم همه گزینه‌ها رو تحلیل کن! مهم‌تر از همه، پاسخ تشریحی رو فقط برای دیدن جواب نخون؛ بخش مهمی از فرایند یادگیری دقیقاً همون جاست. اگر هر دومون به این قول عمل کنیم، مطمئنم روز کنکور می‌فهمی چرا همیشه می‌گم: مسلط باش، آسوده شو.





و اما پاسخ تشریحی



اگر پاسخ‌نامه رو فقط برای دیدن گزینه درست باز کنی، بخش بزرگی از ارزش این کتاب رو از دست دادی! پاسخ تشریحی این کتاب، ادامه فرایند یادگیریه؛ جایی که نکات آموزشی، دام‌های پرتکرار، تکنیک‌های تست‌زنی، تحلیل تک‌تک گزینه‌ها و توصیه‌های مطالعاتی کنار هم قرار گرفته‌اند تا حتی بعد از حل تست هم چیز تازه‌ای یاد بگیری. به همین دلیل تلاش کرده‌ایم هیچ صفحه‌ای از پاسخ‌نامه بدون کادر آموزشی نباشه و در بسیاری از صفحات، چندین کادر نکته، تکنیک و مشاوره رو در کنار هم قرار داده‌ایم تا پاسخ‌نامه، خودش به یک کلاس درس تبدیل بشه.

پاسخ‌نامه‌ای که فقط پاسخ‌نامه نیست!

فقط دنبال گزینه درست نباش! یاد بگیر چرا بقیه گزینه‌ها نادرست‌اند. تحلیل دقیق سایر گزینه‌ها، یکی از بهترین راه‌های عمیق‌شدن یادگیری و جلوگیری از تکرار اشتباهات.

بررسی سایر گزینه‌ها

نکات تکمیلی، دام‌های پرتکرار و مطالب کلیدی‌ای که باید برای همیشه به خاطر بسپاری. تلاش کرده‌ایم هیچ صفحه‌ای از پاسخ‌نامه بدون کادر «نکته» نباشه.

نکته

این مورد ویژه تست‌های منطقه؛ راهکارهای سریع‌تر، حرفه‌ای‌تر و کنکوری‌تر برای حل سؤال‌های مشابه و مدیریت بهتر زمان در آزمون.

تکنیک

توصیه‌های مطالعاتی، آزمونی و راهبردی، دقیقاً در همون نقطه‌ای که بهش نیاز داری.

مشاوره

راستی!

اگر بعد از تموم کردن این کتاب هنوز احساس کردی دلت تست‌های سخت‌تر و چالش‌های بیشتری می‌خواد، احتمالاً وقتش رسیده سراغ «نردبام فلسفه و منطق» بری. نردبام ادامه همین مسیره؛ فقط با شیب بیشتری!



نسخه دیجیتال کتاب؛ کتابخوان خیلی سبز!



با خرید نسخه چاپی این کتاب، نسخه دیجیتال آن نیز در اختیار شما قرار می‌گیرد تا بتوانید در هر زمان و مکان به محتوای کتاب دسترسی داشته باشید. کتابخوان دیجیتال خیلی سبز به شما کمک می‌کند متناسب با سبک مطالعه خود، از امکانات متنوع آن استفاده کنید.



امکان مطالعه در هر دستگاهی



سوئیچ سریع بین بخش‌ها



یادداشت کردن



هایلایت کردن و علامت‌گذاری

فهرست مطالب

۱۲ فلسفه دوازدهم

۲۳۸	درس اول: هستی و چیستی
۲۴۹	درس دوم: جهان ممکنات
۲۶۰	درس سوم: جهان علی و معلولی
۲۷۵	درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟
۲۸۶	درس پنجم: خدا در فلسفه (قسمت اول)
۳۰۱	درس ششم: خدا در فلسفه (قسمت دوم)
۳۱۵	درس هفتم: عقل در فلسفه (قسمت اول)
۳۲۶	درس هشتم: عقل در فلسفه (قسمت دوم)
۳۳۹	درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام
۳۴۸	درس دهم: دوره میانی
۳۵۹	درس یازدهم: دوران متأخر
۳۷۳	درس دوازدهم: حکمت معاصر

۱۰ منطق دهم

۱۰	درس اول: منطق، ترازوی اندیشه
۲۰	درس دوم: لفظ و معنا
۳۰	درس سوم: مفهوم و مصداق
۴۴	درس چهارم: اقسام و شرایط تعریف
۵۳	درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی
۶۴	درس ششم: قضیه حملی
۷۳	درس هفتم: احکام قضایا
۸۶	درس هشتم: قیاس اقترانی
۹۹	درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی
۱۱۱	درس دهم: سنجشگری در تفکر

۱۱ فلسفه یازدهم

۱۲۲	درس اول: چیستی فلسفه
۱۳۳	درس دوم: ریشه و شاخه‌های فلسفه
۱۴۳	درس سوم: فلسفه و زندگی
۱۵۲	درس چهارم: آغاز تاریخی فلسفه
۱۶۱	درس پنجم: زندگی براساس اندیشه
۱۷۰	درس ششم: امکان شناخت
۱۷۹	درس هفتم: ابزارهای شناخت
۱۸۸	درس هشتم: نگاهی به تاریخچه معرفت
۲۰۵	درس نهم: چیستی انسان (۱)
۲۱۴	درس دهم: چیستی انسان (۲)
۲۲۴	درس یازدهم: انسان، موجود اخلاق‌گرا

پاسخ‌نامه تشریحی

۳۸۳

پاسخ‌نامه کلیدی

۵۸۴

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۲ فلسفه

هدف اصلی

آشنایی با دو مفهوم «هستی» و «چیستی» و نسبت میان آن دو و نقش این مبحث در تاریخ فلسفه

اثبات مغایرت وجود و ماهیت

قدم اول: اصول بدیهی

بدیهی است که واقعیتهای هستی و می توان آن را شناخت.
رد ادعای سوفیست ها

نکته:

فقط هستی منشأ اثر است.
این اصول نیاز به دلیل ندارد، ولی رفتار طبیعی انسان نشانه درستی آنهاست.

قدم دوم: تفکیک جنبه های واقعیت

وجود: وجه مشترک همه موجودات و مفهومی بدیهی است.
ماهیت: وجه افتراق. همان ذاتیات است که در تعریف حقیقی ذکر می شود.

تذکر:

سؤال «این چیست؟» نشان می دهد وجود را پذیرفته ایم و از ماهیت سؤال داریم.

قدم سوم: تمایز ذهنی - عینیت خارجی

در ذهن، وجود و ماهیت مغایر و متمایز هستند.
در خارج، وجود و ماهیت یک واقعیت، عین هم و یک حقیقت واحد هستند.
واضح ترین دلیل مغایرت: می توان ماهیات معدوم - مثل سیمرغ - را تصور کرد.

قدم چهارم: برهان «نیازمندی حمل وجود به دلیل» برای اثبات مغایرت وجود و ماهیت

حمل ماهیت بر خود آن: اولی ذاتی و بی نیاز از دلیل است.
حمل وجود بر ماهیت: شایع صناعی و نیازمند دلیل است.
چون حمل وجود برخلاف ذاتیات، نیازمند دلیل است، پس جزء ذات یا عین ذات نیست و مغایرت دارند.

تناقضات مغایرت نداشتن وجود و ماهیت - تست های سخت

اگر وجود جزء ذات یا عین آن بود: خلق (ایجاد) و تغییر (حرکت) محال بود و همه ماهیت ها بدون نیاز به دلیل، واجب الوجود می شدند (ذاتاً وجود داشتند).
اگر وجود عین ذات بود: همه ماهیت ها - مثل درخت و اسب - نیز عین هم می شدند.
اگر وجود جزء ذات بود: هر ماهیتی در درون خود بی نهایت وجود و بی نهایت ماهیت دیگر داشت و هر واقعیتی معادل بی نهایت واقعیت بود.

فارابی: توجه به بحث وجود و ماهیت

ابن سینا: تبیین کامل بحث مغایرت

گذری تاریخی

پایه برهان وجوب و امکان

آکوئیناس: انتقال به فلسفه غرب. فلسفه تومیس

آموزش و تمرین

مقدمه درس و قدم نخست

۲۳۳۵- موضوع دانش فلسفه کدام است؟

- (۱) حقیقت (۲) ماهیت (۳) وجود (۴) معرفت

۲۳۳۶- کدام مورد درباره هستی و چیستی درست نیست؟

- (۱) معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
(۲) از مفاهیم پر کاربرد در زندگی روزمره هستند.
(۳) هستی، همان ماهیت و چیستی، همان وجود است.
(۴) درک آن‌ها و نسبت میانشان از مباحث اولیه فلسفه است.

۲۳۳۷- قدم اول برای درک هستی و چیستی کدام است؟

- (۱) واقعیتی هست و می‌توانیم به آن علم پیدا کنیم.
(۲) این دو مفهوم با هم مغایرت و تفاوت دارند.
(۳) در واقعیت‌ها دو جنبه مشاهده می‌کنیم.
(۴) مفهوم هستی در مقابل مفهوم نیستی است.

۲۳۳۸- کدام گزینه از مباحث اصلی پیرامون وجود نیست؟

- (۱) رابطه وجود و ماهیت (۲) مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع (۳) بررسی ماهیت و چیستی اشیا (۴) علت و معلول

۲۳۳۹- استفاده از کلید برای باز کردن در، دربردارنده کدام پیام فلسفی است؟

- (۱) وجود و ماهیت دو مفهوم مغایر در ذهن هستند.
(۲) وجود وجه مشترک و ماهیت وجه اختصاصی موجودات است.
(۳) می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند.
(۴) یکی از مباحث اولیه فلسفه تعیین نسبت میان وجود و ماهیت است.

۲۳۴۰- مفهوم «واقعیت» مترادف است با

- (۱) اتفاق افتاده‌شده (۲) بودن (۳) درک حقیقت (۴) شدن

۲۳۴۱- این‌که انسان در هنگام تشنگی به سراغ آب می‌رود و از آن می‌نوشد، نشانه چیست؟

- (۱) واقعی بودن یک امر برای امکان مورد استفاده قرار گرفتن آن لازم و کافی است.
(۲) اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت براساس رفتار طبیعی انسان اثبات می‌شوند.
(۳) انسان می‌داند در اطرافش چیزهایی واقعی است که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کند.
(۴) انسان براساس آگاهی‌های خود به رفع نیازهایش می‌پردازد، نه براساس امکانات موجود.

۲۳۴۲- کدام مورد برای بیان قدم اول از قدم‌های شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن دو، مناسب‌تر است؟

- (۱) دو مفهوم هستی و چیستی از مفاهیم بدیهی‌اند که هر انسانی در مواجهه با هر واقعیتی، این دو را از آن واقعیت درک می‌کند.
(۲) همه انسان‌ها به درستی و بدون نیاز به دلیل، چیزهایی را اصیل و واقعی می‌دانند و معتقدند می‌شود به برخی از آن‌ها آگاه شد.
(۳) در زندگی همه انسان‌ها نشانه‌هایی وجود دارد که براساس آن‌ها می‌توان اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت را اثبات کرد.
(۴) برای هستی‌شناسی و درک تمایز هستی با چیستی، ابتدا باید اصل امکان شناخت هستی را مورد بررسی قرار داد و آن را پذیرفت.

۲۳۴۳- نپذیرفتن کدام مورد، راه را برای توجه به دو مفهوم هستی و چیستی مسدود می‌کند؟

- (۱) امکان شناخت (۲) واقعی بودن جهان طبیعت (۳) اصالت وجود (۴) وجود رفتارهای طبیعی انسان

۲۳۴۴- رفتار متفاوت ما با امور واقعی نسبت به امور غیرواقعی بیانگر چیست؟

- (۱) برهانی برای اثبات واقعیت و توانایی شناخت
(۲) توجه انسان به تمایز هستی و چیستی
(۳) پذیرش منشأ اثر بودن، تنها برای اموری که وجود دارند.
(۴) خارج ذهن بودن واقعیت در مقابل ذهنی بودن غیرواقعیت

قدم دوم

۲۳۴۵- آن‌چه در میان موجودات مشترک است و آن‌چه بینشان متفاوت است، به ترتیب کدام‌اند؟

- (۱) هستی - ماهیت (۲) چیستی - ماهیت (۳) وجود - هستی (۴) ماهیت - وجود

۲۳۴۶- وقتی کودکی از ما می‌پرسد: «این چیستی؟»،

- (۱) به وجود شیء پی برده، ولی ماهیت آن را نمی‌داند.
(۲) به اصل مغایرت وجود و ماهیت توجه دارد.
(۳) از ماهیت شیء می‌پرسد و فعلاً توجهی به وجود آن ندارد.
(۴) وجود و ماهیت شیء برایش مجهول است.

۲۳۴۷- تفاوت اصلی قضیه «صنوبر نوعی درخت است»، و «صنوبر وجود دارد»، در چیست؟

- (۱) قضیه اول ساخته ذهن انسان و قضیه دوم جمله‌ای واقعی است.
(۲) قضیه اول به ماهیت صنوبر اشاره دارد و قضیه دوم به وجود آن.
(۳) قضیه اول محتوای کامل‌تر و دقیق‌تری نسبت به قضیه دوم بیان می‌کند.
(۴) اگر قضیه دوم صحیح نباشد، معنایی برای قضیه اول باقی نخواهد ماند.

۲۳۴۸- درباره ماهیت و چیستی هر شیء، کدام عبارت درست است؟

- (۱) تمامی اوصاف ذاتی و غرضی (غیرذاتی) آن شیء را بیان می‌کند.
(۲) وجودداشتن بخشی از ماهیت هر شیء است.
(۳) هیچ‌گاه ماهیت دو موجود یکسان نمی‌باشد.
(۴) بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

۲۳۴۹- کدام گزینه درباره آشنایی اولیه انسان با «وجود» و «ماهیت» اشیا پیرامون درست است؟

- (۱) غالباً انسان اول ماهیت اشیا را می‌شناسد و پس از آن، وجودشان را بررسی می‌کند.
(۲) بیشتر اوقات انسان‌ها وجود و ماهیت اشیا پیرامون را به طور هم‌زمان درک می‌کنند.
(۳) معمولاً انسان ابتدا متوجه وجود آن‌ها می‌شود، سپس درباره ماهیتشان تحقیق می‌کند.
(۴) غالباً کودکان ابتدا وجود و سپس ماهیت را تشخیص می‌دهند و بزرگسالان، برعکس.

۲۳۵۰- پرسش «این چیست؟» نشانگر چه مطالبی است؟

- (۱) ماهیت و وجود چیزی مجهول هستند.
(۳) ماهیت مجهول است و درباره وجود اطلاعاتی نداریم.
۲۳۵۱- کدام دو مفهوم در «چیستی» مشترک، ولی در «هستی» مختلف اند؟

- (۱) پلنگ سیاه - پلنگ صورتی
(۳) سگ اصحاب کهف - شتر حضرت صالح

۲۳۵۲- «وجود» و «ماهیت» دو موجودات است.

- (۱) بخش (۲) حیثیت (۳) جزء (۴) مصداق

۲۳۵۳- محمول کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) دارایی هست. (۲) دارایی وجود دارد. (۳) دارایی میوه است. (۴) دارایی واقعی است.

۲۳۵۴- آثار خارجی از ناشی می شوند و تفاوت این آثار از است.

- (۱) واقعیت - چیستی (۲) ماهیت - وجود (۳) هستی - نیستی (۴) چیستی - هستی

قدم سوم

۲۳۵۵- کدام توصیف ها از «آب»، توصیفات صحیح فلسفی به حساب می آید؟

- الف) موجودی مرکب است.
پ) یک موجود واحد است.
ث) دارای دو جنبه مختلف است.
ب) از ترکیب «آب» و «وجود» به وجود آمده است.
ت) ترکیبی از دو عنصر هیدروژن و اکسیژن است.

- (۱) الف - ب - پ (۲) پ - ث (۳) الف - ت - ث (۴) ب - ت

۲۳۵۶- کدام یک از گزینه های زیر از اموری است که از هستی اش خبر داریم، اما چیستی آن هنوز چندان برای ما روشن نیست؟

- (۱) اشکال هندسی (۲) پری دریایی (۳) حقیقت نور (۴) گل رز

۲۳۵۷- تفاوت «وجود» و «ماهیت» تنها در و از جهت است.

- (۱) ذهن - مفهوم (۲) خارج - مصداق (۳) فکر - لفظ (۴) خارج - مفهوم

۲۳۵۸- «وجود سبب» با «چیستی آن» متفاوت است و درباره این تفاوت می توان گفت:

- (۱) در خارج از ذهن وجود دارد. (۲) در مصادیق خود را نشان می دهد.

- (۳) در ذهن و از جهت مفهوم است. (۴) به واقعیت مربوط نیست.

۲۳۵۹- در قضایایی همچون «انسان موجود است.» و «صنوبر هست.» موضوع و محمول به ترتیب کدام است و کدام توضیح درباره آن ها درست است؟

- (۱) وجود - ماهیت - اولی میان موجودات، مشترک و دومی متفاوت است. (۲) چیستی - هستی - هر دو درباره همه موجودات، یکسان است.

- (۳) ماهیت - وجود - اولی میان موجودات، متفاوت و دومی مشترک است. (۴) چیستی - وجود - در عالم خارج با یکدیگر متفاوت هستند.

۲۳۶۰- وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، به این معنا نیست که، بلکه به این معناست که

- (۱) با هم ترکیب و جمع شده اند. - از جهت مصداق خارجی با هم متفاوت هستند.

- (۲) دو جزء از یک چیزند. - در ذهن و از جهت مفهوم متفاوت هستند.

- (۳) با هم تفاوت دارند. - در خارج از ذهن یک حقیقت هستند.

- (۴) از جهت مفهوم تفاوت دارند. - تنها در ذهن تفاوت دارند.

۲۳۶۱- هر امر واحد در خارج، در ذهن با مفهوم فهمیده می شود.

- (۱) سه - متفاوت (۲) دو - متغایر (۳) دو - مشابه (۴) سه - ثابت

۲۳۶۲- کدام عبارات درست هستند؟

- الف) برخی امور هم چیستی و هم هستی شان مشخص است. ب) ماهیت و وجود در ذهن یکی هستند.

- پ) از هستی برخی امور مطلعیم، اما درباره چیستی آن ها نظر روشنی نداریم. ت) تصورات خیالی فراوانی هستند که نه چیستی دارند و نه هستی.

- (۱) الف - ت (۲) ب - پ (۳) الف - پ (۴) ت - ب

۲۳۶۳- در کدام گزینه به ترتیب اموری که «می توانیم ماهیتشان را در ذهن حاضر کنیم، اما تاکنون در خارج وجود نداشته اند.»، «از هستی شان خبر داریم، اما چیستی آن ها چندان برای ما روشن نیست.» و «چیستی آن ها را می دانیم، اما با همان دقت نمی دانیم وجود خارجی دارند یا نه.» ذکر شده است؟

- (۱) دیو، سیاه چاله ها در فضا، جهان های موازی (۲) مرغ آتش خوار، حقیقت نور، صنوبر

- (۳) حیوان ناطق، میکروب ها، گریه سیاه (۴) ماشین برقی، فضاپیما، خدا

۲۳۶۴- «هستی» و «چیستی» هر چیزی از نظر عین هم و از نظر متفاوت هستند.

- (۱) مصداقی - وجودی (۲) ذهنی - خارجی (۳) واقعیت - ذهنی (۴) آثار - مفهومی

۲۳۶۵- کدام گزینه درباره شناخت ما از «هستی» و «چیستی» اشیا درست است؟

- (۱) گاهی در هستی اشیا تردید می کنیم، ولی چیستی را همیشه می شناسیم. (۲) گاهی در چیستی اشیا تردید می کنیم، ولی هستی را همیشه می شناسیم.

- (۳) هر دو مفهوم از بدیهیات هستند، از این رو همواره هر دو را می شناسیم. (۴) می شود از هر کدام از این دو مفهوم آگاه بود یا در هر کدام تردید داشت.

۲۳۶۶- توجه به کدام مفهوم، می تواند دلیلی روشن بر مغایرت وجود و ماهیت باشد؟

- (۱) انسان نابینا (۲) انسان ده چشم (۳) انسان ناطق (۴) انسان حسود

قدم چهارم

۲۳۶۷- حمل «سه ضلعی» بر «مثلث» مانند کدام یک از حمل های زیر است؟

- (۱) حمل «مهربان» بر «مادر» (۲) حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» (۳) حمل «مخلوق» بر «درخت» (۴) حمل «وجود» بر «فرشتگان»

۲۳۶۸- برای حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» نیاز به دلیل آوردن نیست، زیرا.....

- (۱) حیوان ناطق همان ذات انسان است. (۲) انسان زیرمجموعه حیوان است. (۳) همه انسان ها حیوان هستند. (۴) ناطقی جز انسان وجود ندارد.

۲۳۶۹- حمل «فلز مایع» بر «جیوه» نیازمند..... و حمل «هستی» بر «چیستی» نیازمند.....

- (۱) دلیل نیست - دلیل نقلی یا عقلی است. (۲) دلیل عقلی است - دلیل حسی است. (۳) دلیل نیست - دلیل تجربی یا عقلی محض است. (۴) دلیل تجربی است - دلیل تاریخی و تجربی است.

۲۳۷۰- چرا حمل «هستی» بر «چیستی» نیازمند دلیل است؟ زیرا.....

- (۱) چیستی و هستی یکی هستند. (۲) چیستی، موضوع و هستی، محمول است. (۳) میان ماهیت و وجود، رابطه ذاتی برقرار نیست. (۴) وجود جزئی از ماهیت است.

۲۳۷۱- در مقایسه دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» نمی توان گفت:.....

- (۱) موضوع در هر دو گزاره یکسان است. (۲) در یکی حمل محمول بر موضوع، ضروری و در دیگری غیرضروری است. (۳) در گزاره ای که محمول آن «حیوان ناطق» است، به دلیلی برای حمل محمول بر موضوع نیاز نیست. (۴) در گزاره ای که محمول آن «هستی» است، حتماً نیازمند دلیل حسی برای حمل محمول بر موضوع هستیم.

۲۳۷۲- حمل «تعریف حقیقی درست هر چیز» بر «خود آن چیز».....

- (۱) نیاز به استدلال، اثبات و توجیه ندارد. (۲) در واقع حمل وجود بر ماهیت است. (۳) نیازمند دلیل حسی یا عقلی است. (۴) نشانگر مغایرت وجود و ماهیت است.

۲۳۷۳- حمل کدام ویژگی ها بر «مثلث» نیازمند دلیل است؟

- الف) شکل بودن (۱) الف - پ (۲) پ - ب (۳) ب - متساوی الاضلاع بودن (۴) الف - ت (۵) ت - دارای زاویه بودن

۲۳۷۴- تفاوت محمول و موضوع در قضیه «مثلث شکل سه ضلعی است» در چیست؟

- (۱) تفاوت در مفهوم است. (۲) هیچ تفاوتی ندارند. (۳) تفاوت صرفاً در اجمال و گستردگی مفهومی است. (۴) تفاوت در اهمیت بیشتر محمول نسبت به موضوع است.

۲۳۷۵- با فرض یکی بودن هستی و چیستی اشیا، نسبت محمول با موضوع در چند قضیه از قضایای مذکور، نیاز به دلیل ندارد؟

- الف) فلسفه دانش وجودشناسی است. (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
ب) انسان دانشجو وجود دارد. (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
ت) لوزی شکل چهارضلعی با اضلاع برابر است. (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
پ) مارمولک هست. (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۳۷۶- برای اثبات هستی ماهیات باید از..... استفاده کرد.

- (۱) دلیل عقلی محض (۲) دلیل تجربی یا عقلی محض (۳) تخیل (۴) حواس پنج گانه

۲۳۷۷- مغایرت وجود و ماهیت نشان می دهد.....

- (۱) این ها دو موجود مغایرند. (۲) رابطه ای همچون لوازم التحریر و مداد دارند. (۳) دو حیثیت از یک موجودند. (۴) حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل نیست.

۲۳۷۸- حمل محمول بر موضوع در قضیه «انسان موجود است»، بیشترین تناسب را با کدام یک از قضایای زیر دارد؟

- (۱) انسان، حیوان ناطق است. (۲) انسان، مخلوق است. (۳) انسان، بشر است. (۴) انسان، جسم نامی حساس متحرک بالاراده متفکر است.

(آزمون های آزمایشی فیلی سبز)

- (۱) ملاصدرا فیلسوف است. (۲) آب مایع است. (۳) سگ پستاندار است. (۴) مستطیل متوازی الاضلاع است.

۲۳۸۰- محمول کدام گزینه در ذهن از موضوع جدایی پذیر است؟

- (۱) واقعیت هست. (۲) خفاش پستاندار است. (۳) شوهر او مرد است. (۴) انسان وجود دارد.

۲۳۸۱- اگر..... برقرار باشد،.....

- (۱) عینیت وجود و ماهیت - دیگر هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوت ندارد. (۲) جزئیت وجود برای ماهیت - دیگر نمی توانیم وجود را بر ماهیت حمل کنیم. (۳) مغایرت وجود و ماهیت - حمل محمول وجود بر موضوع امتناعی است. (۴) دوگانگی وجود و ماهیت - تمایز آن ها تنها در ذهن و از جهت مصداق است.

۲۳۸۲- کدام گزاره اطلاعاتی به ما می دهد که پذیرش آن نیازمند دلیل است؟

- (۱) انسان حیوان ناطق و دارای قدرت اندیشه ورزی است. (۲) حیوان جسم رشدکننده دارای حواس و حرکت ارادی است. (۳) جسم رشدکننده جسمی است که اگر نور به آن برسد، بزرگ می شود. (۴) جسم، شیء دارای ابعاد سه گانه یعنی طول و عرض و ارتفاع است.

۲۳۸۳- کدام عبارت درست است؟

- (۱) می توان با دلیل مفهوم هستی را بر چیستی حمل کرد. (۲) می توان با دلیل چیستی را بر مفهوم هستی حمل کرد. (۳) بدون نیاز به دلیل مفهوم هستی بر هیچ چیز قابل حمل نیست. (۴) بدون نیاز به دلیل، چیستی بر هیچ چیز قابل حمل نیست.

۲۳۸۴- کدام حمل بی‌نیاز از دلیل است؟

- (۱) حمل چهار ضلع بر مربع
- (۲) حمل خط منحنی بسته بر دایره
- (۳) حمل چهارضلعی بر دوزنقه
- (۴) حمل دارای قطرهای عمود بر هم بر لوزی

۲۳۸۵- کدام گزینه از تناقضاتی که در پی عینیت وجود و ماهیت پدید می‌آید، نیست؟

- (۱) به محض تصور یک ماهیت، آن ماهیت وجود پیدا می‌کند.
- (۲) حمل همه‌چیز بر همه‌چیز مصداق حمل اولی ذاتی می‌شود.
- (۳) تلاش برای ایجاد هر تغییری بی‌اثر و بی‌فایده خواهد بود.
- (۴) تحقیق علمی برای اثبات وجود اشیا عبث و بیهوده می‌شود.

۲۳۸۶- کدام حمل از نظر نیازمندی به دلیل، مانند حمل دارای جاذبه بر زمین است؟

- (۱) جسم سه‌بعدی است.
- (۲) فلسفه وجودشناسی است.
- (۳) آب شور نیست.
- (۴) نیستی موجود نیست.

۲۳۸۷- کدام مورد از تناقض‌هایی است که در فرض جزء ماهیت‌بودن وجود پدید می‌آید، نه در فرض عین وجودبودن ماهیت؟

- (۱) هیچ ماهیتی وحدت شخصیت نخواهد داشت.
- (۲) سلسله علل به صورت نامتناهی به عقب باز خواهد گشت.
- (۳) هیچ مخلوقی وجود نخواهد داشت.
- (۴) ابداع و اختراعات بی‌سابقه محال و ممتنع خواهد بود.

گذری تاریخی

۲۳۸۸- کدام مطلب یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است؟

- (۱) مخالفت با حس‌گرایی
- (۲) توجه به شهود
- (۳) برهان وجوب و امکان
- (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۲۳۸۹- بحث «مغایرت وجود و ماهیت» پایه‌ی یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات است که نام دارد.

- (۱) معاد - مبدأ و غایت
- (۲) خداوند - مبدأ و غایت
- (۳) مبدأ هستی - وجوب و امکان
- (۴) عالم آخرت - وجوب و امکان

۲۳۹۰- کدام گزینه درباره‌ی تاریخیچه «مغایرت وجود و ماهیت» درست است؟

- (۱) این بحث برای اولین بار مورد توجه ابن‌سینا قرار گرفت.
- (۲) این نظر پایه‌ی مباحث ابن‌سینا و توماس آکوئیناس در اثبات خدا قرار گرفت.
- (۳) ابن‌سینا این بحث را در برهان «امکان فقری» به کار برد.
- (۴) این نظر که از سوی آکوئیناس در اروپا مطرح شد تأثیری بر مباحث دیگر نداشت.

۲۳۹۱- کدام عبارت درباره‌ی «توماس آکوئیناس» درست است؟

- (۱) پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسم» در اروپا شد که تا پایان قرون وسطی در جریان بود.
- (۲) اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آن‌جا شد.
- (۳) برهان خداشناسی او به جهت استفاده از مغایرت وجود و ماهیت بسیار مورد توجه ابن‌سینا قرار گرفت.
- (۴) فلسفه‌ای که او در اروپا بنیان نهاد، متکی بر آرای فلاسفه مسلمان به‌خصوص ملاصدرا و ابن‌سینا بود.

۲۳۹۲- کدام گزینه در رابطه با آکوئیناس یا ابن‌سینا بیانگر مطلب درستی است؟

- (۱) آکوئیناس هم مانند ابن‌سینا، اما به صورت مستقل از او، در بحث مغایرت وجود و ماهیت و اثبات وجود خدا، براساس آن وارد شده است.
- (۲) هر کدام به طور کاملاً مستقل، توجه ویژه‌ای به بحث مغایرت ذات و ماهیت داشته‌اند.
- (۳) توجه ویژه ابن‌سینا به بحث مغایرت ذهنی هستی و چیستی، مبدأ گفت‌وگوهای فراوان بین فیلسوفان شده است.
- (۴) مغایرت ذهنی هستی و چیستی، پایه برهان وجوب و امکان ابن‌سینا در اثبات ضرورت وجود خدا بوده است.

۲۳۹۳- کدام سنت فلسفی با ابن‌سینا آغاز شد؟

- (۱) توجه ویژه به دو مفهوم وجوب و امکان
- (۲) فلسفه تومیسیم و به وجود آمدن مناقشات فلسفی در پی آن
- (۳) توجه به دو مفهوم هستی و چیستی و تفاوت قائل شدن بین آن‌ها
- (۴) پیدا شدن عنوانی مجزا برای بحث مغایرت وجود و ماهیت

۲۳۹۴- کدام گزینه درباره‌ی تأثیر ابن‌سینا و ابن‌رشد بر فلاسفه غرب درست است؟

- (۱) هر دو به یک میزان در ترویج فلسفه اسلامی در اروپا مؤثر بودند.
- (۲) هر دو به یک میزان در ترویج فلسفه ارسطویی در اروپا مؤثر بودند.
- (۳) هر دو در ترویج فلسفه اسلامی در اروپا کوشیدند، ولی سهم ابن‌سینا بیشتر بود.
- (۴) هر دو در ترویج فلسفه ارسطویی در اروپا مؤثر بودند، ولی سهم ابن‌سینا بیشتر بود.

تسلط و تثبیت

۲۳۹۵- بارزترین دلیل مغایرت وجود و ماهیت چیست؟

- (۱) حمل ماهیت برخلاف وجود، بی‌نیاز از دلیل است.
- (۲) چیزهایی وجود دارند که از چیستی آن‌ها بی‌اطلاعییم.
- (۳) تصوراتی از چیزهایی داریم که وجود ندارند.
- (۴) خداوند وجود دارد ولی ماهیت ندارد.

۲۳۹۶- «مواردی را به خاطر داریم که چیزی را واقعی می‌دانستیم اما اندکی بعد به اشتباه خود پی برده و متوجه شده‌ایم آن چیز واقعیت ندارد.» کدام عبارت

درباره این جمله درست است؟

- (۱) این موارد هیچ‌گاه واقع نمی‌شود.
- (۲) گاهی مواردی که وجود ذهنی دارند مابه‌ازای خارجی ندارند.
- (۳) تمام چیزهایی که در اطراف ما هستند از این امور هستند.
- (۴) ماشین اسباب‌بازی کودکان یکی از این موارد محسوب می‌شود.

۲۳۹۷- در میان عبارات زیر چند عبارت درست است؟

- (الف) «وجود» موضوع مباحث فلسفی است.
- (ب) انسان واقعیت را منشأ اثر می‌داند.
- (پ) با سؤال «این چیست؟» ابتدا هستی را پذیرفته‌ایم، سپس از چیستی می‌پرسیم.
- (ت) سؤال از «چیستی» به صورت بله یا خیر پاسخ داده می‌شود.

۲۳۹۸- کدام گزینه درباره «هستی» و «چیستی» درست است؟

- (۱) دو جزء از یک چیز هستند.
(۲) رابطه آن‌ها مانند کاغذ و رنگ است.
(۳) تفاوت آن‌ها فقط در ذهن و از جهت مفهوم است.
(۴) تفاوت و اختلاف آن‌ها در خارج از ذهن آشکار می‌شود.
- ۲۳۹۹- «در حال قدم‌زدن با دوستم بودم که از دور سایه‌ای را دیدیم و او با اضطراب پرسید این چیست؟» کدام برداشت از این واقعه با مبانی فلسفی همخوان است؟
- (۱) عدم مغایرت وجود و ماهیت برای این فرد ایجاد اضطراب کرده است.
(۲) فرد پرسشگر تفاوت وجود و ماهیت را درک کرده اما در این مورد به هیچ‌کدام علم ندارد.
(۳) پرسش این فرد مبتنی بر مغایرت وجود و ماهیت و عدم علم او به یکی از این دو مفهوم است.
(۴) این پرسش از آن جهت مطرح شده است که فرد شک دارد آیا مغایرتی میان وجود و ماهیت برقرار است یا نه.

۲۴۰۰- «عنیت مفهوم وجود و ماهیت»، «زیادت وجود بر ماهیت» و «مغایرت وجود با ماهیت» به ترتیب موصوف به چه وصفی هستند؟

- (۱) مقبول - مردود - مقبول (۲) مردود - مقبول - مقبول (۳) مقبول - مقبول - مردود (۴) مردود - مردود - مردود
- ۲۴۰۱- کدام مورد برای روشن کردن نسبت وجود و ماهیت، مناسب نیست؟

- (۱) وقتی نمی‌دانیم گوشی تلفن همراهمان کجاست.
(۲) وقتی نمی‌دانیم هدیه‌ای که دریافت کرده‌ایم، چیست.
(۳) وقتی نمی‌دانیم آن‌چه در سفره گذاشته‌اند، چه غذایی است.
(۴) وقتی نمی‌دانیم حیوانی که از دور می‌بینیم، شغال است یا روباه.

۲۴۰۲- کدام گزینه از نظر نیازمندی و یا بی‌نیازی به دلیل حمل، متفاوت است؟

- (۱) انسان، فانی است.
(۲) انسان، جسم نامی حساس ناطق است.
(۳) انسان، موجود است.
(۴) انسان، حیوان راست‌قامت است.

۲۴۰۳- قدم اول در شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن‌ها شامل کدام است؟

- (۱) حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل تجربی یا عقلی است.
(۲) هر واقعیتی در ذهن ما دارای دو مفهوم وجود و ماهیت است.
(۳) واقعیت‌ها را قبول داریم و میان واقعیت و عدم واقعیت تفاوت قائلیم.
(۴) وجود و ماهیت دو مفهوم مغایرند که در خارج جدای از یکدیگر نیستند.

۲۴۰۴- اصل وجود و وجود یک شیء خاص

- (۱) اثبات‌نشده - نیازمند دلیل است.
(۲) بدیهی - نیز به همان بدهات است.
(۳) همان واقعیت انکارناپذیر - بخشی از همان واقعیت است.
(۴) برای همه چیز ضروری - برای خود آن شیء ضروری است.

۲۴۰۵- اگر در تحقیقات علوم تجربی، موضوعی را به طور دقیق تعریف مفهومی کنیم و سپس آن را موضوع تحقیق قرار دهیم

- (۱) نسبت به وجود آن یقین داریم، ولی ماهیتش را بعد از انجام تحقیقات می‌شناسیم.
(۲) ممکن است در وجودش تردید داشته باشیم، ولی ماهیتش را به خوبی می‌شناسیم.
(۳) در وجود و ماهیتش ابهامی نداریم و نسبت به هر دو شناخت و آگاهی داریم.
(۴) ممکن است هم در وجود و هم در ماهیتش تردید و ابهام داشته باشیم.

۲۴۰۶- کدام مبحث فلسفی، پایه یکی از برهان‌های اثبات وجود خدا در آثار ابن سینا شد که آکوئیناس هم آن را پذیرفت و مطرح کرد و این بحث زمینه‌ساز چه چیزی شد؟

- (۱) مغایرت هستی و چیستی - گفت‌وگوهای فراوانی را در اروپا ایجاد کرد.
(۲) اصل قبول واقعیت - امکان برداشته شدن قدم‌های بعدی در شناخت هستی و چیستی را فراهم کرد.
(۳) نیازمندی حمل وجود به دلیل - برهانی برای مغایرت وجود و ماهیت پدید آورد.
(۴) وجوب و امکان - سبب شکل‌گیری مکتبی به نام تومیسیم شد.

۲۴۰۷- در کدام گزینه عبارت اول بیانگر عبارت دوم است؟

- (۱) ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. — حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» مانند حمل «مخلوق» بر «انسان» است.
(۲) پرسش کودک از چیستی یک حیوان که برای اولین بار در باغ وحش دیده است. — عدم علم او به وجود و ماهیت چیزی که تاکنون ندیده است.
(۳) میان «انسان» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. — حمل «وجود» بر «انسان» فقط نیاز به دلیل عقلی محض دارد، نه دلیل حسی و تجربی.
(۴) وقتی دلمان می‌گیرد کنار یکی از عزیزانمان پهلو می‌گیریم. — واقعی بودن چیزهایی که در پیرامون ما هست را قبول داریم.

۲۴۰۸- کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) نوشیدن آب در هنگام تشنگی نشانگر واقعی دانستن آب است.
(۲) هر امر بدیهی در واقع، غیر قابل انکار و بی‌نیاز از اثبات است.
(۳) ماهیت و وجود گاهی با یکدیگر مغایرند و گاهی یکی جزء دیگری است.
(۴) در عبارت «میز وجود دارد» میان موضوع و محمول رابطه ضروری برقرار نیست.

۲۴۰۹- براساس قدم‌های تعیین‌شده برای شناخت بیشتر «هستی» و «چیستی»، موارد زیر، به ترتیب محصول کدام گام می‌باشد؟ (آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

الف) اشتراکی بودن وجود برای موجودات و مفارقت آمیز بودن ماهیت برای آن‌ها

ب) پذیرش واقعیت و استفاده از آن برای رفع نیازها

پ) مغایرت ذهنی وجود و ماهیت

ت) عدم رابطه ذاتی بین وجود با هر ماهیتی

(۱) گام دوم، گام اول، گام سوم، گام چهارم

(۲) گام سوم، گام اول، گام دوم، گام چهارم

(۱) گام دوم، گام اول، گام سوم، گام چهارم

(۲) گام سوم، گام چهارم، گام دوم، گام اول

۲۴۱۰- کدام دو حمل از نظر ذاتی یا غیرذاتی بودن با یکدیگر یکسان‌اند؟

(۱) مکعب رنگ ندارد. - گل رز حساس نیست.

(۲) کسر یک سوم گسسته است. - کره گرد است.

(۳) هرم ممتد در سه بُعد است. - مربع، لوزی است.

(۴) تصور حکم ندارد. - آب رنگی نیست.

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۴۱۱- نوع حمل در کدام گزینه با حمل «جیوه» بر «مایع» یکسان است؟

(۴) مربع بر مستطیل

(۳) مجرد بر غیرمادی

(۲) انسان بر بشر

(۱) شکل بر دایره

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۴۱۲- کدام عبارت درست است؟

(۱) اگر وجود با ماهیت رابطه ذاتی داشت، موجود دانستن اشیاء قطعی بود.

(۲) تفکیک وجود از ماهیت فقط در ذهن است و ترکیب آن‌ها فقط در خارج از ذهن.

(۳) حمل وجود بر ماهیت، نشان می‌دهد که این‌ها دو مفهوم متفاوت با یکدیگر هستند.

(۴) اگر وجود، عین ماهیت یا جزئی از آن بود، تمایز میان اشیای مختلف از بین می‌رفت.

۲۴۱۳- وقتی غمگین می‌شویم و دلمان می‌گیرد، نزد عزیزانمان می‌رویم و با همنشینانی با آن‌ها روحمان آرام می‌شود و اندوهمان برطرف می‌گردد، کدام عبارت

درباره این رفتار نادرست است؟

(۱) این رفتار یکی از اصول فلسفی را به خاطر می‌آورد.

(۲) این یک رفتار طبیعی است که انسان‌ها بروز می‌دهند.

(۳) این رفتار به خوبی تمایز میان وجود و ماهیت را نشان می‌دهد.

(۴) این رفتار بیانگر آن است که اموری را در اطراف خود واقعی می‌دانیم.

۲۴۱۴- چه چیزی سبب می‌شود تصور یک کوه بزرگ، ذهن ما را سنگین نکند؟

(۱) نبود وجه مشترک موجودات (۲) عدم انطباق ذهن با خارج (۳) نبود وجه تمایز حقیقی کوه (۴) عدم انتقال ماهیت کوه به ذهن

۲۴۱۵- کدام گزینه درباره ابن سینا و آکوئیناس درست است؟

(۱) هر دو به طور مستقل توجه ویژه‌ای به بحث زیادت وجود بر ماهیت کردند و آن را پایه اثبات وجود خدا قرار دادند.

(۲) هر دو مستقیم یا غیرمستقیم در یک جریان‌سازی فلسفی در اروپا نقش داشتند که آن جریان تا امروز هم باقی است.

(۳) ابن سینا با فلسفه آکوئیناس آشنا بود، ولی توجه ویژه او به بحث مغایرت وجود و ماهیت، مبتکر دیگری جز خودش نداشت.

(۴) این سؤال که آیا ماهیت اصیل است یا وجود، در جهان اسلام در آثار ابن سینا مطرح شده و در اروپا در آثار آکوئیناس بیان شده است.

۲۴۱۶- در کدام گزینه قدم‌های شناخت دو مفهوم «وجود» و «ماهیت» و نسبت میان آن دو با ترتیب درستی بیان شده است؟

(۱) قبول امکان شناخت - شناخت واقعیت از دو جنبه وجود و ماهیت - مغایرت مصداق دو مفهوم وجود و ماهیت - نیازمندی حمل وجود به دلیل

(۲) قبول واقعیت به طور کلی - قبول واقعیت هستی و چیستی - قبول مغایرت هستی و چیستی - اثبات نیازمندی حمل هستی بر چیستی به دلیل

(۳) پذیرش اصل واقعیت و امکان شناخت - توجه به جنبه مشترک و جنبه اختصاصی واقعیات - مغایرت وجود و ماهیت - اثبات مغایرت این دو مفهوم

(۴) پذیرش وجود واقعیت و امکان شناخت - شناخت وجود و سؤال از ماهیت - پذیرش تمایز ذهنی و وحدت مصداقی وجود و ماهیت - اثبات این تمایز

۲۴۱۷- درباره مفهوم ماهیت کدام مورد درست است؟

(۱) چیزی است که در واقعیت با هستی مغایرت دارد، چون وجه اختصاصی است. (۲) حقیقتی است که اگر موجود باشد با وجودش وحدت و عینیت مصداقی دارد.

(۳) همان ذاتیات شیء است که نسبت دادن وجود به آن نیازمند دلیل نیست. (۴) همان چیستی شیء است که تفاوت مفهومی با وجود همان شیء ندارد.

۲۴۱۸- چرا از نگاه فلسفی به‌ویژه فلسفه ابن سینا آب را مانند یک شیمی دان تحلیل نمی‌کنیم؟

(۱) مرکب‌بودن حاصل بررسی تخصصی علم شیمی است، ولی از نظر هستی‌شناختی که نگاه بنیادی دارد، آب اجزای تشکیل‌دهنده ندارد.

(۲) بررسی‌های تجربی آب را مرکب معرفی می‌کنند ولی از منظر عقل پذیرفته نیست که یک حقیقت واحد، مرکب از چند حقیقت باشد.

(۳) فلسفه، مرکب‌بودن آب از عناصر را انکار نمی‌کند ولی هدفش بررسی آب به عنوان یک واقعیت واحد از جنبه‌های مفهومی مختلف است.

(۴) قلمرو روش علم شیمی یک بحث فلسفی است و فیلسوف این روش را برای تحلیل ماهیت ذهنی مناسب می‌بیند، نه درک واقعیت خارجی.

(ترکیبی با درس ۳ و ۸ فلسفه ۱)

۲۴۱۹- اگر بخواهیم نسبت میان وجود و ماهیت را با دقت فلسفی بشناسیم، بهتر است گام اول ما چه باشد؟

(۱) باید از حیث هستی‌شناختی و نیز از حیث معرفت‌شناختی مسیر خود را از سوفیست‌ها جدا کنیم.

(۲) به زندگی خود توجه کنیم و ببینیم بر چه اساس از اشیاء استفاده و نیازهای خود را برطرف می‌کنیم.

(۳) مفهوم‌های وجود و ماهیت را تعریف کنیم یا نشان دهیم که واضح‌اند و نیازی به تعریف آن‌ها نیست.

(۴) باید معتقد شویم که واقعیت‌هایی در جهان پیرامون هست و عالم هیچ در هیچ و پوچ در پوچ نیست.

۲۴۲۰- کدام تحلیل از عبارت زیر قابل قبول است؟

«برای همه ما پیش آمده است که به واقعی بودن چیزی اعتقاد داشته‌ایم، ولی بعد از مدتی متوجه شده‌ایم که اشتباه می‌کرده‌ایم.»

(۱) به اشتباه مفهوم وجود را با مفهوم ماهیت یکسان در نظر گرفته‌ایم.

(۲) شناخت ما در معرض خطاست و نمی‌توان حکم قطعی به وجود چیزی کرد.

(۳) آن چیز را از جنبه چیستی شناخته‌ایم، ولی حکمی درباره جنبه هستی‌اش نکرده‌ایم.

(۴) موضوعی که درباره آن حکم کرده‌ایم و سپس آن حکم را پس گرفته‌ایم، همان ماهیت آن چیز است.

۲۴۲۱- کدام مورد را می‌توان برهان درستی برای مغایرت هستی و چیستی دانست؟

(۱) فهم واقعی بودن هر ماهیتی به چیزی فراتر از شناخت ذاتیات آن ماهیت وابسته است.

(۲) حمل کل ذات یا هر یک از ذاتیات هر موضوعی بر آن موضوع، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

(۳) در مواجهه با هر واقعیتی، دو جنبه در آن مشاهده می‌کنیم. که یکی را وجود و دیگری را ماهیت می‌نامیم.

(۴) وقتی به موجودی اشاره می‌کنیم و می‌گوییم «این چیست؟» خود آن را شناخته‌ایم و در پی شناخت ماهیتش هستیم.

۲۴۲۲- کدام عبارت وجه تمایز حمل اولی ذاتی (بی‌نیاز از دلیل) را از دیگر حمل‌ها به نحو دقیق‌تری توضیح می‌دهد؟

(۱) این حمل برخلاف دیگر حمل‌ها، فقط یک جزء ذاتی یا یک جزء تعریفی را به موضوع نسبت می‌دهد.

(۲) محمول این حمل، شامل همه افراد موضوع می‌شود و آن را از همه دیگر موضوعات متمایز می‌سازد.

(۳) تنها وقتی محمول از موضوع عقلاً جدایی‌ناپذیر و لاینفک باشد، چنین حملی اتفاق افتاده است.

(۴) در این حمل برای تصدیق وجوبی بودن، به چیزی بیش از تصور موضوع و محمول نیاز نداریم.

۲۴۲۳- در مباحث مربوط به هستی و چیستی کدام مورد قابل قبول است؟

- (۱) اگر وجود را امری ذاتی برای موضوعات مختلف بدانیم، باید از وجوه افتراق موضوعات صرف نظر کنیم و همه امور را عین هم بدانیم.
- (۲) حمل انسان بر ناطق مانند حمل پلاتین بر فلز یا حمل مارماهی بر زنده یک حمل نیازمند دلیل است، ولی دلیلش لزوماً عقلی نیست.
- (۳) وجود و ماهیت از اجزای مفهومی واقعیات هستند که در خارج از ذهن وحدت مصداقی دارند، ولی درون ذهن دارای مغایرت هستند.
- (۴) مغایرت وجود و ماهیت از قواعد اساسی فلسفه مسلمانان است که توسط ابن سینا به فلسفه برخی مسیحیان نیز منتقل شده است.

۲۴۲۴- بر اساس گام‌های لازم برای شناخت نسبت میان ماهیت و وجود، کدام عبارت درست است؟

- (۱) در حمل «فلز مایع» بر «جیوه» لازم است نشان دهیم که جیوه ویژگی‌های اصلی فلزات و مایعات را دارد و از این‌رو فلز مایع است.
- (۲) نگاه فلسفی به یک گیاه، مستلزم عدم تفاوت بین اجزای گیاه و خود آن است چرا که این نگاه واقعیات را امر واحد در نظر می‌گیرد.
- (۳) اشاره کردن به هر چیزی مستلزم آن است که هستی آن را درک کرده باشیم ولی لزوماً به این معنا نیست که چیستی آن را نیز شناخته‌ایم.
- (۴) اگر چیزی را بشناسیم ولی در درک تمام اجزای ذاتش یا در فهم وجودش خطا کرده باشیم، نتیجه می‌شود که حمل وجود بر ماهیت دلیل می‌خواهد.

۲۴۲۵- کدام مورد درست است؟

- (۱) اولین گام برای شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن دو، اثبات واقعیت و امکان شناخت آن است.
- (۲) اگر چه واقعیات جهان طبیعت از اجزایی درست شده‌اند، ولی فیلسوف هر یک را امر واحدی در نظر می‌گیرد.
- (۳) اشاره به یک واقعیت، مستلزم پذیرش وجود آن است، ولی اشاره به یک امر ذهنی به هیچ نحوی چنین نیست.
- (۴) حمل وجود بر هر ماهیتی همواره نیازمند دلیل است ولی حمل امور مربوط به ماهیت، نیازمند هیچ دلیلی نیست.

۲۴۲۶- در کدام گزینه «چیستی» سؤال برانگیز است، نه هستی؟

- (۱) یک پزشک، توموری را در ناحیه غدد لنفاوی تشخیص داده و برای تعیین نوع آن آزمایش می‌نویسد.
- (۲) یک تکنسین هواپیما قبل از پرواز، موتورها را روشن می‌کند تا مطمئن شود، نقص فنی ندارند.
- (۳) یک زیست‌شناس به دنبال رصد علائم حیاتی در دیگر سیارات به کاوش‌های کیهان‌شناختی می‌پردازد.
- (۴) یک سرآشپز برای بهتر کردن طعم غذاهای رستوران در کابینت‌ها به دنبال ادویه کاری می‌گردد.

۲۴۲۷- کدام حمل‌ها از نظر نیازمندی به دلیل مشابه هستند؟

- (۱) حمل دارای اضلاع برابر بر لوزی - حمل مستطیل بر مربع
- (۲) حمل حساس بر جاندار - حمل سه‌بعدی بر پرنده
- (۳) حمل گسسته بر عدد - حمل سه‌گوش بر مثلث
- (۴) حمل دانش بر تصور - حمل آب بر بی‌رنگ

۲۴۲۸- در کدام گزینه نمی‌توان از عامل حمل مفهوم دوم بر مفهوم اول سؤال پرسید ولی می‌توان از عامل حمل مفهوم چهارم بر مفهوم سوم پرسش کرد؟

- (۱) عدد ۲ - زوج - شکل - سطح محدود
- (۲) عنکبوت - متحرک با اراده - مستطیل - چهار پاره‌خط
- (۳) عقرب - حساس - مکعب - فضای محدود به وجوه مربعی شکل
- (۴) دایره - سطح محدود به یک منحنی بسته - مثلث - مقدار پیوسته ثابت



۲۴۲۹- این که انسان‌ها گاهی ابتدا «سراب» را واقعی می‌پندارند و زمانی که برای رفع عطش به آن نزدیک می‌شوند، پی به اشتباه خود می‌برند و از کار خود دست برمی‌دارند، دربردارنده کدام پیام نیست؟

- (۱) هرگاه انسان به اشتباهات خود پی می‌برد، آن را اصلاح می‌کند.
- (۲) انسان‌ها با واقعیت آشنا هستند.
- (۳) انسان واقعیت را منشأ اثر می‌داند.
- (۴) انسان با عدم واقعیت آشنا است.

۲۴۳۰- ذهنی و اعتباری ندانستن امور پیرامونی،

- (۱) اصلی بدیهی است که در طول تاریخ مورد انکار هیچ گروهی نبوده است. (۲) باوری است که ارتباطی با رفتار و اعمال انسان‌ها ندارد.
- (۳) بستگی به درک ما از رابطه میان وجود و ماهیت دارد.
- (۴) دلیلی است بر استفاده از اشیا برای رفع نیازهایمان.

۲۴۳۱- کدام مطلب پیامد مغایرت نداشتن وجود و ماهیت، نیست؟

- (۱) حمل وجود بر ماهیت دلیل نمی‌خواهد.
- (۲) ماهیتی که واقعی نباشد، امکان ندارد.
- (۳) هر شیء حقیقتی دوگانه در خارج ندارد.
- (۴) در چیزهایی که مشاهده می‌کنیم دو حیثیت نمی‌یابیم.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۲۴۳۲- در کدام مورد، مطلب بیان‌شده، مشروط است به شرطی که در انتها برایش ذکر شده است؟

- (۱) با تصور هر ماهیتی، وجود هم با آن همراه بود. — اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر می‌بود.
- (۲) نفی ماهیت از وجود ممکن نبود. — تنها اگر وجود عین ماهیت می‌بود.
- (۳) اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند به دلیل نبود. — اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر نمی‌بود.
- (۴) همه ماهیات یکی بود. — اگر وجود عین ماهیت یا جزء آن می‌بود.

۲۴۳۳- کدام بیت به ارزش واقعیت در مقابل عدم واقعیت اشاره روشنی نمی‌کند؟

- (۱) شتر در خواب بیند پنبه‌دانه
- (۲) چون عاقبت کار جهان نیستی است
- (۳) دنیا چو حبایی است ولیکن چه حباب
- (۴) دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ
- (۵) گهی لفلف خورد گه دانه‌دانه
- (۶) انگار که نیستی، چو هستی خوش باش
- (۷) نی بر سر آب بلکه بر روی سراب
- (۸) ای هیچ برای هیچ بر هیچ میبچ

۲۴۳۴- وجه مشترک همه انواع ماهیات و وجه افتراق آن‌ها

- (۱) وجود است - چیستی است. (۲) وجود ندارد - چیستی است. (۳) چیستی است - وجود است. (۴) آثار خارجی است - وجود است.

۲۴۳۵- گزاره «پلاتیپوس هست» در مقایسه با گزاره «پلاتیپوس پستاندار تخم‌گذار است» است و در مقایسه با گزاره «پلاتیپوس ماهیت دارای تأثیرات خارجی است»

- (۱) کاملاً مشابه - کاملاً متفاوت است.
(۲) دارای تفاوت اساسی - هیچ تفاوت هستی‌شناختی ندارد.
(۳) کاملاً متفاوت - کاملاً مشابه است.
(۴) دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی - نیز همان شباهت‌ها و تفاوت‌ها را دارد.

۲۴۳۶- کدام گزینه درباره «هستی» و «چیستی» درست است؟

- (۱) هستی همه اشیا مفهومی بدیهی است، ولی چیستی همه اشیا نیاز به تعریف دارد.
(۲) هستی‌ها دارای آثار خارجی هستند، ولی چیستی اشیا نقشی در خواص و آثار خارجی آن‌ها ندارد.
(۳) هستی اگرچه شرط لازم منشأ اثر بودن است و لذا چیستی بدون هستی، اثر خارجی ندارد، ولی شرط کافی نیست.
(۴) هستی‌ها از جهت مفهومی فرقی ندارند، ولی چیستی‌ها برخی بدیهی‌اند و برخی نیازمند تعریف هستند تا معلوم شوند.
۲۴۳۷- از بین عبارات زیر چند گزاره درباره «هستی» و «چیستی» یک موضوع ممکن‌الوجود خاص درست است؟
(الف) هستی و چیستی آن، هرگز از هم قابل تفکیک نیستند.
(ب) مغایرت هستی و چیستی‌اش مانند مغایرت دو روی یک سکه است.
(پ) هستی و چیستی‌اش مانند روغن و چربی از هم جدایی‌ناپذیر هستند.
(ت) با بررسی یک هستی می‌توانیم به چیستی‌اش پی ببریم، ولی برعکس صادق نیست.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) صفر

۲۴۳۸- استدلال ابن سینا برای مغایرت وجود و ماهیت به کدام تمثیل شبیه‌تر است؟

- (۱) ما می‌توانیم کتاب‌هایی را تصور کنیم که هنوز نوشته نشده‌اند، ولی نمی‌توانیم کتابی را تصور کنیم که نه نوشته دارد و نه تصویر.
(۲) این ماشین برای حمل مواد یخچالی ساخته شده و آن ماشین برای حمل مواد غیریخچالی؛ پس باید محفظه بارشان متفاوت باشد.
(۳) اگر قاتل این دو فقره قتل یک نفر بوده باشد، باید اثر انگشت به‌جامانده در مکان جرم نیز یکی می‌بود؛ پس قاتل متفاوت بوده است.
(۴) یک قطعه فلزی هم رسانا است و هم جامد، ولی این به آن معنا نیست که رسانایی همان جامدبودن است، زیرا جامد غیررسانا هم داریم.

۲۴۳۹- کدام مورد از نتایج مغایرت وجود و ماهیت است؟

- (۱) مصادیق وجود و ماهیت در عالم خارج یکسان نیستند.
(۲) با اشاره «این» و «آن» به وجود اشاره می‌کنیم، نه ماهیت.
(۳) می‌توان یک ماهیت را برای اولین بار به وجود آورد.
(۴) حمل کردن وجود بر هیچ ماهیتی ضروری و اجتناب‌ناپذیر نخواهد شد.
۲۴۴۰- اگر بر فرض محال، مغایرتی بین وجود و ماهیت نبود، کدام گزاره‌ها پذیرفتنی نبودند؟
(الف) هیچ گونه‌ای از جانداران قابل انقراض نیستند.
(ب) هیچ کاری قابل انجام نیست.
(ث) هیچ کس تنها نیست.

(۱) الف - ب - پ (۲) ب - پ - ث (۳) الف - ت (۴) فقط «ث»

(ترکیبی با درس ۴ فلسفه ۱۱)

۲۴۴۱- کدام عبارت درست است؟

- (۱) جدایی‌ناپذیربودن وجود و ماهیت در خارج از ذهن، گواه این پیش‌فرض است که مفاهیم، انطباق کاملی بر مصادیقشان ندارند، چرا که دو مفهوم متفاوت یک مصادیق واحد دارند و تفاوت مفهومی آن‌ها مابه‌ازایی در این مصادیق ندارد.
(۲) نگاه وحدت‌گرایانه فلسفی به هر واقعیت، در مقابل نگاه تجزیه‌گرایانه علم شیمی، مرسوم مغایرت وجود و ماهیت است، زیرا بدون این مغایرت، هر موجودی در درون خود شامل بی‌نهایت وجود خواهد بود و وحدتی نخواهد داشت.
(۳) دیدگاه پارمنیدس درباره حرکت و شدن براساس پیش‌فرض عدم مغایرت وجود و ماهیت عرضه شده است، زیرا با این فرض، وجود، ذاتی هر امری خواهد بود و از بین رفتن و پدیدآمدن که لازمه حرکت است، محال خواهد شد.
(۴) اگر دیدگاه فیثاغورس درباره آن‌چه موجودات از آن تشکیل شده‌اند را بپذیریم، باید وجود را ذاتی اعداد بدانیم، زیرا در این دیدگاه «عدد» اولین موجود است و باید وجودش از خودش باشد، بر این اساس وجود، جزء یک ماهیت است.

کنکور سراسری

۲۴۴۲- پاسخی که در برابر سؤال از ذات اشیا و واقعیات قرار می‌گیرد، همان است که آن با از مباحث اولیه فلسفه اسلامی است.

- (۱) وجود - مغایرت - ماهیت
(۲) ماهیت - مغایرت - وجود
(۳) ماهیت - عینیت - وجود
(۴) وجود - عینیت - ماهیت

۲۴۴۳- ماهیت و وجود اشیا در از هم جداست و این یعنی که از ناشی می‌شود.

- (۱) واقعیت - مغایرت مفهوم آن‌ها - قدرت ذهن انسان
(۲) ذهن - مغایرت مفهوم آن دو - قوه انتزاع
(۳) ذهن - اعتباری بودن ماهیت - قدرت ذهن انسان
(۴) واقعیت - مغایرت آن دو - قوه انتزاع

۲۴۴۴- وقتی از واقعیت یک موجود سخن می‌گوییم،
(۱) یک حمل ضروری صورت گرفته است.
(۲) ماهیت خاصی را به آن موجود نسبت می‌دهیم.
(۳) مفهومی مغایر با موضوع را بر آن حمل می‌کنیم.
(۴) حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل حسی است.

۲۴۴۵- وقتی به واقعیت یک شیء اذعان می‌کنیم،
(۱) یک مفهوم یگانه در ذهن ما پیدا می‌شود.
(۲) برای بیان درستی قضیه خود به دلیل حسی یا عقلی نیازمندیم.
(۳) یک تصور دوجزئی در ذهن ما ایجاد می‌شود.
(۴) یک مفهوم دوگانه در ذهن ما ایجاد می‌شود.

(سراسری ۹۳ - با تغییر)

(سراسری ۹۳ - با تغییر)

(سراسری ۹۳ - با تغییر)

(سراسری ۹۳ - با تغییر)

(سراسری ۹۳ - با تغییر)

(سراسری ۹۳ - با تغییر)

(سراسری ۹۳ - با تغییر)

- ۲۴۴۶- با فرض این که مفهوم وجود، جزء مفهوم ماهیت باشد، کدام عبارت درست خواهد بود؟
 (۱) امور خیالی واقعاً وجود خواهند داشت.
 (۲) ماهیات مبهم و ناشناخته خواهند بود.
 (۳) هیچ چیز واقعاً وجود نخواهد داشت.
 (۴) همه ماهیات عین یکدیگرند.
- (فارج از کشور - ۹۴)
- ۲۴۴۷- از نگاه یک فیلسوف، نسبت ماهیت به وجود، به کدام نسبت نزدیک تر است؟
 (۱) جریان خون به رگها
 (۲) معنا و لفظ یک واژه نسبت به یکدیگر
 (۳) آب نمک نسبت به نمک محلول در آب
 (۴) اکسیژن و هیدروژن تشکیل دهنده آب نسبت به یکدیگر
- (فارج از کشور - ۹۶ - با تغییر)
- ۲۴۴۸- اسناد هستی به یک چیز، به وسیله کدام مورد انجام می گیرد؟
 (۱) جملات انشایی
 (۲) پرسش از هستی
 (۳) قضایایی با محمول موجود
 (۴) استدلال و برهان
- (سراسری ۹۷ - با تغییر)
- ۲۴۴۹- کدام عبارت، برای اصل «زیادت وجود بر ماهیت» (به نحو ضمنی) استدلال اقامه می کند؟
 (۱) مغایرت وجود و ماهیت، مورد اتفاق حکمای مسلمان است.
 (۲) ماهیت های زیادی را می شود در نظر گرفت که موجود نیست.
 (۳) به مجرد تصور یک ماهیت، آن ماهیت در ذهن وجود پیدا می کند.
 (۴) ماهیت و وجود اشیا در ذهن از هم جدا می شوند و مغایرت می یابند.
- (فارج از کشور - ۹۷)
- ۲۴۵۰- کدام عبارت بیانگر دلیل مغایرت مفهوم وجود با ماهیت است؟
 (۱) مفهوم وجود را می توان بر ماهیات حمل کرد.
 (۲) چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند.
 (۳) می توان ماهیاتی را تصور کرد که موجود نیستند.
 (۴) سلب وجود از ماهیت، در ذهن و در خارج امکان پذیر است.
- (سراسری ۹۹)
- ۲۴۵۱- در کدام گزاره، نمی توان از دلیل حمل سؤال کرد؟
 (۱) زمستان سرد است.
 (۲) انسان فانی است.
 (۳) خدا جاودانه است.
 (۴) پلاتین فلز است.
- (فارج از کشور - ۹۹)
- ۲۴۵۲- کدام عبارت درست است؟
 (۱) هر چه فرض شود ضرورتاً دو حیثیت دارد: هستی و چیستی.
 (۲) از میان نسب اربع، نسبت میان ماهیت یک چیز با وجود همان چیز، تساوی است.
 (۳) اشاره کردن به چیزی، بدون این که به نوعی وجود آن را باور داشته باشیم، غیرممکن است.
 (۴) وقتی چیزی را واقعی می پنداریم و سپس می فهمیم وجود نداشته، یعنی ماهیتش را نشناخته ایم.
- (سراسری ۱۴۰۲)
- ۲۴۵۳- اگر وجود جزء مفهوم ماهیت بود، آن گاه
 (۱) دو مفهوم از یک واقعیت قابل انتزاع نبود
 (۲) وجود و ماهیت عین هم بودند
 (۳) هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوتی نداشت
 (۴) همه ماهیات واجب الوجود بودند
- (سراسری ۱۴۰۳)
- ۲۴۵۴- حمل « 180° بر زوایای داخلی مثلث» با کدام حمل مناسبت بیشتری دارد؟
 (۱) قابل صدق و کذب بر قضیه
 (۲) راست قامت بر انسان
 (۳) اندیشنده بر انسان
 (۴) دانش بر تصدیق
- (فارج از کشور - ۱۴۰۳)
- ۲۴۵۵- حمل ناطق بر حیوان به کدام حمل شبیه است؟
 (۱) دانش بر تصور
 (۲) حساس بر حیوان
 (۳) کاذب بر قضیه
 (۴) جسمانی بر انسان
- (سراسری نوبت اول ۱۴۰۴)
- ۲۴۵۶- تردید در تشخیص ذات و ماهیت یک موجود در عین اطمینان از وجود آن، مؤید کدام مطلب است؟
 (۱) تشخیص ذاتیات یک موجود بدون تشخیص حقیقت آن ممکن نیست.
 (۲) علم به هستی یک چیز مستلزم آگاهی از حقیقت آن نیست.
 (۳) حمل وجود بر یک ماهیت به دلیل عقلی یا حسی نیاز دارد.
 (۴) علم به وجود یک موجود، قبل از علم به حقیقت آن است.
- (سراسری دافل ۱۴۰۴)
- ۲۴۵۷- با توجه به مباحث نسبت میان ماهیت و وجود، کدام عبارت را می توان پذیرفت؟
 (۱) هر انسانی ضرورتاً هم میرنده است و هم مرگ اندیش و حمل هر دو ویژگی بر انسان، نیازمند دلیل است.
 (۲) برای حمل چیستی بر مفهوم وجود نیازمند دلیل هستیم، دلیل حسی و تجربی یا عقلی محض.
 (۳) از نگاه فلسفی آب موجود واحدی است، یعنی ما از چیستی و هستی آن، یک چیز می فهمیم.
 (۴) وقتی می گوئیم «انسان حیوان ناطق است»، یعنی «حیوان» و «ناطق» اجزای انسان هستند.
- (سراسری فارج ۱۴۰۴)
- ۲۴۵۸- کدام عبارت معنای مغایرت وجود و ماهیت را به درستی بیان می کند؟
 (۱) هر مفهومی در ذهن از دو جزء وجود و ماهیت تشکیل شده است.
 (۲) از یک موجود در واقعیت، دو معنای مختلف می توان به دست آورد.
 (۳) حمل وجود بر هر ماهیتی به دلیل حسی یا عقلی محض نیازمند است.
 (۴) با این که از وجود برخی موجودات مطمئنیم، ماهیت آنها را نمی شناسیم.

تیب شناسی سؤالات کنکور

این درس در کنکورهای ۹۹ تا ۱۴۰۴، ۹ بار تست داشته است (یعنی حدوداً ۹٪ احتمال دارد از این درس توی کنکور تست بیاد).

موضوعات سؤال شده	سبک سؤال	دشواری (از ۵)	مدت لازم برای حل (از ۳)
- قدم دوم: ۱ تست - قدم سوم: ۳ تست - قدم چهارم: ۴ تست - فعالیت «بررسی» مربوط به تناقضات عدم مغایرت وجود و ماهیت: ۱ تست	- کاربردی - تشخیصی: ۳ تست - مفهومی - تحلیلی: ۶ تست - ترکیبی: ۱ تست (ترکیبی با درس ۲)	- درجه ۱: ۰ تست - درجه ۲: ۱ تست - درجه ۳: ۴ تست - درجه ۴: ۲ تست - درجه ۵: ۲ تست	- درجه ۱ (حدود ۳۰ ثانیه): ۵ تست - درجه ۲ (حدود ۶۰ ثانیه): ۴ تست - درجه ۳ (حدود ۹۰ ثانیه): ۰ تست
بیشترین موضوع مورد سؤال: قدم چهارم (تشخیص حمل اولی ذاتی و حمل شایع از روی تعاریف حقیقی)	بیشترین سبک مورد سؤال: مفهومی - تحلیلی	میانگین دشواری: ۳/۵۵ (متوسط متمایل به دشوار)	میانگین زمان مورد نیاز: ۴۳ ثانیه

استراتژی پاسخگویی و مرور نکات مهم

این درس از اون جاهاییه که طراح کنکور کم‌تر دنبال «حفظ تعریفه» و بیشتر می‌خواند ببینه می‌تونی از دل تعریف‌ها و مثال‌ها، تشخیص بدی دقیقاً داریم درباره چی حرف می‌زنیم: «هستی» یا «چیستی»؟ و بعدش هم توی قدم چهارم، سریع بفهمی کدام حمل بی‌نیاز از دلیله و کدام حمل دلیل می‌خواد؛ پس جنس سؤال‌ها غالباً مفهومی - تحلیلیه و اگر حواست نباشه، با یه کلمه ریز مثل «بیان معنا / دلیل / حمل» مسیرت عوض می‌شه. بقیه سؤالات هم معمولاً کاربردی - تشخیصی هستند و تسلط روی تعاریف حقیقی و اجزای ماهیت‌ها رو می‌طلبند.

اول بدون چی مهم‌تره!

طبق جدول تیپ‌شناسی، پرتکرارترین بخش این درس قدم چهارمه (۴ تست از ۹ تا)؛ یعنی همون جایی که باید از روی تعریف حقیقی بفهمی حمل، اولی ذاتی و بی‌نیاز از دلیله یا شایع و نیازمند دلیل. بعدش قدم سوم مهمه (۳ تست) که معمولاً پای مغایرت وجود و ماهیت و نتایجش وسطه (مثل «می‌شه ماهیت ناموجود رو تصور کرد.» یا «ممکنه وجود رو بدون شناخت ماهیت بفهمیم.»)؛ پس اگر وقتت کمه:

اول، قدم چهارم (حمل‌ها و دلیل‌پذیری / بی‌نیازی از دلیل) بعد، قدم سوم (مغایرت وجود و ماهیت و نتایجش)

دام‌های پرتکرار این درس

- ❖ یادت باشه! «حمل الف بر ب» یعنی: ب الف است (برعکس‌نگیری الف ب است).
- ❖ قاطی کردن «بیان معنا» با «دلیل / نتیجه»؛ مثل تستی که می‌گه «معنای مغایرت...»؛ این‌جا دنبال تعریف مفهوم هستیم، نه دلیل‌هاش که گزینه‌های انحرافی رو تشکیل می‌دن.
- ❖ مفهوم / مصداق؛ مثل تستی که بازی می‌کنه با «حمل چیستی بر مفهوم وجود»؛ طراح گاهی عمداً «مفهوم» می‌ذاره که تو ناخودآگاه «مصداق» بخونی (چیستی بر موجود حمل می‌شه، نه بر مفهوم وجود).
- ❖ اجزای تعریفی / اجزای خارجی؛ «حیوان و ناطق اجزای انسان‌اند؟ نه! اجزای تعریف انسان‌اند، نه اجزای خارجی انسان.
- ❖ ضروری بودن ≠ بی‌نیاز از دلیل؛ خیلی مهم! ممکنه چیزی ضروری باشه، ولی باز هم دلیل بخواد (مثل صفات ازلی خدا یا ضروریات غیرتعریفی انسان یا قضایای ریاضی غیربديهی). با حمل‌های ضروری در درس ۲ بیشتر آشنا می‌شید.
- ❖ مرز «فرض خیالی» با «واقعیت»؛ گزاره‌هایی مثل «هر چه فرض شود...» دام‌اند، چون هر فرضی واقعیت نیست (مثل دیو).

چطور تست بزنیم؟

- گام ۱) اول تشخیص بده سؤال از کدام «قدمه».**
- ❖ اگر بحث «مغایرت وجود و ماهیت / تصور ماهیت ناموجود / علم به وجود بدون علم به ماهیت» بود → قدم سوم.
 - ❖ اگر بحث «از دلیل حمل می‌پرسم یا نه؟ / حمل اولی ذاتی؟ / تعریف حقیقی؟» بود → قدم چهارم.
- گام ۲) توی قدم چهارم، فقط یک سؤال کلیدی از خودت بپرس:** «محمول جزء تعریف حقیقی موضوع هست یا نه؟»
- ❖ اگر هست → حمل اولی ذاتی → بی‌نیاز از دلیل (نمی‌تونن از دلیل حمل سؤال کنن).
 - ❖ اگر نیست → حمل شایع → نیازمند دلیل
- گام ۳) اگر بین دو گزینه شک کردی ...** برو سراغ همون کلمات کلیدی: «بیان معنا»، «دلیل»، «مفهوم»، «مصداق»، «تعریف حقیقی»، «اجزای تعریفی». معمولاً جواب با همین‌ها روشن می‌شه.

جمع‌بندی و توصیه‌های پایانی

- ✓ مزیت زمانی؛ میانگین زمان این درس حدود ۴۰ ثانیه‌ست، این یعنی با یکی از کم‌هزینه‌ترین درس‌های فلسفه و منطق از حیث زمان، سروکار داریم.
 - ✓ این درس رو با «تعریف‌ها» جمع کن، نه با حفظ کردن جمله‌ها؛ تعریف حقیقی = کلید حمل اولی ذاتی.
 - ✓ هر جا دیدی سؤال گفته «معنا»، دنبال توضیح مفهوم باش؛ هر جا گفت «دلیل / مؤید»، دنبال نتیجه‌ها و استدلال‌ها بگرد.
 - ✓ یادت نره: ضروری بودن همیشه به معنی بی‌نیاز از دلیل نیست (این یکی خیلی شکار می‌گیره).
 - ✓ برای مرور سریع؛ از خودت چندتا مثال بساز و بگو «این حمل، دلیل می‌خواد یا نه؟ چرا؟» (مثل: فلز بر پلاتین / فانی بر انسان / کاذب بر قضیه).
- خلاصه‌اش این‌که:** این درس رو با دو کلید می‌بری: قدم سوم = فهم دقیق مغایرت وجود و ماهیت، قدم چهارم = تشخیص حمل بی‌نیاز از دلیل از روی تعریف حقیقی؛ هر جا گیر کردی، دنبال همین مرزها بگرد.

حالا وقت آزمون

برای ارزشیابی درس ۱ دوازدهم به آزمون شماره ۲۲ (درس ۱ فلسفه ۲) مراجعه کنید. این آزمون در جلد ضمیمه به صورت چاپی و با اسکن QR Code کتاب به صورت تعاملی در دسترس است.



۲۳۳۵- گزینه ۳ فلسفه درباره وجود و مسائل پیرامون آن بحث می‌کند.

۲۳۳۶- گزینه ۳ برعکس این مطلب درست است؛ یعنی هستی، همان وجود و چیستی، همان ماهیت است.

۲۳۳۷- گزینه ۱ قدم اول این است که ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند (واقعیتی هست) و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.

۲۳۳۸- گزینه ۳

نکته: مباحث اصلی فلسفه مباحثی است که پیرامون وجود شکل می‌گیرد و بررسی ماهیت و چیستی اشیا بدون توجه به رابطه آن با وجود، از مسائل و مباحث اصلی فلسفی به حساب نمی‌آید، بلکه وظیفه سایر علوم است.

۲۳۳۹- گزینه ۳ استفاده از اشیا و موجودات پیرامونی، دربردارنده این پیام است که ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند.

۲۳۴۰- گزینه ۲

نکته: «واقعیت» یعنی «هستی»، «وجود»، «بودن»، «تحقق داشتن»، «منشأ اثر بودن»، «اصل داشتن»، «کائن بودن» و ...

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ و ۴ واقعیت، از جنس افعال و حوادث نیست.

۳ گاهی حقیقت را مترادف با واقعیت می‌گیرند و گاهی مترادف با درک مطابق با واقعیت، اما در این گزینه «درک حقیقت» مطرح شده است که حتماً امری ذهنی و شناختی است و با خود واقعیت خارج از ذهن فرق دارد.

۲۳۴۱- گزینه ۳ این رفتار طبیعی همه انسان‌ها، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم یعنی قبول داریم که مثلاً آب واقعاً هست و می‌توان با دست خود آن را برداشت و از آن استفاده نمود.

۱ برای امکان استفاده از چیزی، فقط واقعی بودن کافی نیست، علاوه بر آن باید نسبت به واقعیت شناخت هم داشته باشیم؛ پس این امر لازم است ولی کافی نیست. ۲ این دو اصل بدیهی و بی‌نیاز از اثبات و حتی غیر قابل اثبات هستند؛ بنابراین رفتار انسان تنها تأییدکننده و شاهد صدق آن‌هاست، نه اثبات آن‌ها. ۴ رفع نیازها، هم براساس واقعی بودن امور برطرف کننده نیازها و هم براساس شناخت ما از آن امور است؛ یعنی برای استفاده از چیزی باید آن چیز واقعی باشد و ما هم نسبت به آن شناخت داشته باشیم.

۲۳۴۲- گزینه ۲

نکته: قدم اول این است که واقعیت‌هایی هست و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم؛ یعنی اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت. این دو اصل بدیهی هستند و برای پذیرش آن‌ها نیاز به اثبات نداریم، بلکه اثبات آن‌ها محال و ناممکن است (رد ۳).

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ مربوط به قدم دوم می‌شود. ۴ اصل امکان شناخت یک بخش از قدم اول است. بخش دیگر قبول اصل واقعیت است که در این گزینه به آن اشاره نشده است.

۲۳۴۳- گزینه ۱

نکته: تا قدم اول از قدم‌های شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن دو را نپذیریم، نمی‌توانیم به قدم دوم برویم و به دو مفهوم هستی و چیستی توجه کنیم. قدم اول یعنی اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ واقعی دانستن جهان هستی لازم است، نه جهان طبیعت.

۳ بحث اصالت وجود بعد از پذیرش مغایرت وجود و ماهیت مطرح می‌شود و در درس ۱۱ از آن بحث خواهیم کرد. ۴ پذیرش رفتارهای طبیعی انسان، موضوعیتی ندارد و فقط یک نشانه برای پذیرفته بودن اصل واقعیت و اصل امکان شناخت است. حتی اگر این رفتارها را نپذیریم هم می‌توان نشانه‌های دیگری پیدا کرد یا این دو اصل بدیهی را بدون ذکر نشانه پذیرفت.

۲۳۴۴- گزینه ۳

نکته: انسان به این دلیل با امور واقعی متفاوت از امور غیرواقعی رفتار می‌کند که تنها واقعیات را منشأ اثر می‌داند و معتقد است امور غیرواقعی نمی‌توانند اثری بر زندگی او داشته باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ اصل واقعیت و اصل امکان شناخت بدیهی‌اند و قابل اثبات نیستند. ۲ توجه به تمایز هستی و چیستی یک بحث فلسفی است که لزوماً همه انسان‌ها به آن توجه نمی‌کنند، در حالی که رفتار متفاوت با واقعیات را همه انجام می‌دهند. ۴ در این مبحث، واقعی بودن همان خارج ذهن بودن و غیرواقعی بودن همان ذهنی بودن است. پس این گزینه فقط معنای واقعیت و غیرواقعیت را توضیح داده است، نه این که بگوید رفتار ما چرا با این دو متفاوت است.

۲۳۴۵- گزینه ۱ آن چه در میان موجودات مشترک است ← وجود (هستی)

آن چه در میان موجودات متفاوت است. ← ماهیت (چیستی)

۲۳۴۶- گزینه ۱ کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که به وجود موجودات پی برده است و می‌داند که آن‌ها موجودند، اما از ماهیت و چیستی هر یک از آن‌ها آگاه نیست.

۲ اصل مغایرت وجود و ماهیت یک بحث فلسفی است و به طور معمول کودکان به آن توجه ندارند. البته کودک می‌فهمد که وجود یک شیء، همان چیستی آن شیء نیست ولی این که به عنوان یک اصل کلی، به مغایرت وجود و ماهیت توجه داشته باشد، چیزی نیست که در حد توان ذهنی یک کودک باشد.

۲۳۴۷- گزینه ۲ قضیه اول در پاسخ از «چیستی» اشیا می‌آید که در واقع، اشاره به ماهیت دارد و قضیه دوم در پاسخ سؤال از «هستی» (وجود) می‌آید.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ همه قضایا ساخته ذهن انسان هستند، ولی برخی درباره واقعیت خارجی خبر می‌دهند و برخی راجع به واقعیات نیستند. ۳ محتوای دو قضیه از یک سنخ نیستند که با هم مقایسه شوند. ۴ حتی اگر هیچ درخت صنوبری وجود نداشته باشد، باز صنوبر نوعی درخت است. پس اگر قضیه دوم صحیح نباشد، نه تنها قضیه اول با معنا است بلکه معنای صادقی هم دارد.

۲۳۴۸- گزینه ۴

نکته: ویژگی‌های مخصوص موجودات را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می‌گویند به عبارت دیگر، ماهیت و چیستی هر شیء بیان کننده ذاتیات آن شیء است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ چیستی یک شیء بیان ذاتیات آن شیء است نه همه اوصاف عرضی آن. ۲ وجود مغایر با ماهیت است نه جزء آن. ۳ ماهیت وجه اختصاصی یک دسته از موجودات است، مثلاً ماهیت من و شما «انسان» است و با ماهیت «گره» متفاوت است، اما من و شما دو موجود هستیم که ماهیتمان یکی است.

۲۳۴۹- گزینه ۳

نکته: کودکان معمولاً اول متوجه وجود اشیا پیرامون می‌شوند و سپس می‌پرسند: «این چیست؟» اشاره به لفظ «این» بیانگر درک وجود است و سؤال از چیستی بیانگر به دنبال درک ماهیت بودن است. بزرگسالان هم از این قاعده مستثنی نیستند. همه ما اغلب اوقات ابتدا متوجه وجود اشیا پیرامونمان می‌شویم و سپس در پی تحقیق درباره چیستی آن‌ها برمی‌آییم.

۲۳۵۰- گزینه ۲ وقتی با لفظ «این» یا «آن» به چیزی اشاره می‌کنیم؛ یعنی به وجود آن پی برده‌ایم و وقتی می‌گوییم «چیست؟» یعنی ماهیت آن برای ما مجهول است.

۲۳۵۱- گزینه ۱ پلنگ سیاه و پلنگ صورتی هر دو در چیستی مشترک هستند (هر دو پلنگ‌اند)، ولی پلنگ سیاه وجود دارد، در حالی که پلنگ صورتی واقعی نیست؛ پس در هستی مختلف‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ و ۳ در چیستی مختلف و در هستی مشترک‌اند. ۴ در هر دو مختلف‌اند.

۲۳۵۲- گزینه ۲

نکته: ماهیت و وجود دو جزء یا دو بخش یا دو مصداق چیزی نیستند، بلکه دو جنبه یا دو وجه یا دو حیثیت موجودات هستند.

۲۳۵۳- گزینه ۳ محمول این گزینه از سنخ ماهیت است، ولی محمول سایر گزینه‌ها «وجود» است.

۲۳۵۴- گزینه ۱ واقعیت یا هستی با وجود منشأ همه آثار هستند ولی این که آثار چه باشند، از روی ماهیت یا چیستی مشخص می‌شود.

۲۳۵۵- گزینه ۲ موارد پ و ث، توصیفات صحیح فلسفی از آب محسوب می‌شوند. **بررسی سایر گزینه‌ها:** الف از نگاه فلسفه آب یک موجود واحد و غیر مرکب است. ب «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد است. ت توصیفی صحیح از نگاه علم شیمی است نه از نگاه فلسفی.

۲۳۵۶- گزینه ۳ **بررسی گزینه‌ها:** ۱ چیستی اشکال هندسی برای ما روشن است اما به همین دقت از هستی‌شان مطلع نیستیم؛ زیرا شکل‌ها مقادیر پیوسته‌ای هستند که جایگاه اصلی آن‌ها به طور معمول ذهن انسان در نظر گرفته می‌شود. با این حال برخی فیلسوفان جایگاهی واقعی در خارج از ذهن برای این امور قائل هستند، مانند عالم مثُل یا عالم مثال مافوق. ۲ چیستی آن را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم اما می‌دانیم حداقل تاکنون وجود نداشته است. ۳ از وجود و هستی نور معلیم‌ام به طور دقیق درباره چیستی حقیقت نور آگاه نیستیم و در این مورد نظرات مختلفی میان دانشمندان وجود دارد. ۴ مانند بسیاری از اموری است که تا حدود زیادی چیستی آن‌ها را می‌شناسیم و از هستی‌شان نیز آگاهییم.

۲۳۵۷- گزینه ۱

نکته: ماهیت و وجود، تنها در ذهن و از جهت مفهوم با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲۳۵۸- گزینه ۳

تفاوت وجود و ماهیت سبب امری است که در ذهن رخ می‌دهد. این تفاوت از نظر مفهوم وجود و ماهیت است. البته نمی‌توان گفت این تفاوت به واقعیت مربوط نیست، زیرا منشأ آثار واقعی متفاوت است ولی چنین نیست که در واقعیت دو امر جداگانه به نام‌های وجود و ماهیت داشته باشیم؛ پس تفاوت وجود و ماهیت، ذهنی است و در عین حال، نتایج واقعی متفاوتی به بار می‌آورد.

۲۳۵۹- گزینه ۳: در این قضایا موضوع، همان ماهیت (چیستی) است و محمول، وجود (هستی) است. ماهیت میان اشیا متفاوت اما وجود، مشترک است.

۲۳۶۰- گزینه ۲

نکته: وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیز هستند، به این معنا نیست که دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب و جمع شده‌اند (مانند اکسیژن و هیدروژن)، بلکه به این معناست که «هستی» و «چیستی» در ذهن و از جهت مفهوم با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲۳۶۱- گزینه ۲: امر واحد خارج از ذهن، در ذهن با دو مفهوم کاملاً متمایز، یعنی وجود و ماهیت فهمیده می‌شود.

۲۳۶۲- گزینه ۳: عبارات الف) و ب) صحیح‌اند، اما ب) نادرست است، زیرا ماهیت و وجود در ذهن متفاوت هستند و ت) نیز نادرست است، زیرا تصور خیالی حتماً چیستی دارد و الا نمی‌شد آن را در عالم خیال تصور کرد. توجه کنید که در فلسفه مقصود از عالم خیال، اموری شبیه محسوسات هستند که واقعیت خارجی ندارند؛ مثل غول، سمیرغ و دریای جیوه یا خاطرات گذشته انسان از حوادث طبیعی.

۲۳۶۳- گزینه ۱: بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) از هستی و چیستی «صنوبر» باخبریم. ۳) از هستی و چیستی هر سه مورد ذکرشده در این گزینه باخبریم. ۴) ماشین برقی و فضاپیما هستی و چیستی‌شان برای ما روشن است؛ وجود خدا نیز قطعی است.

۲۳۶۴- گزینه ۳: هستی و چیستی در عالم خارج (واقعیت) عین هم و در عالم ذهن متفاوت با هم هستند.

۴) چیستی به خودی خود آثاری ندارد، ولی هستی منشأ اثر است.

۲۳۶۵- گزینه ۴: می‌شود از هر کدام از این دو مفهوم آگاه بود یا در هر کدام تردید داشت. مثلاً «هستی» و «چیستی» انسان را می‌شناسیم. از طرفی «هستی» موجودی که لای شمشادها سروصدا می‌کند، ولی دیده نمی‌شود، یقینی است ولی «چیستی» آن مشکوک است (گربه است یا موش یا ...). از طرف دیگر چیستی حیات در سایر سیاره‌ها معنای روشنی دارد ولی در هستی آن تردید داریم. ۳) آن‌چه بدیهی است مفهوم عام «هستی» و «چیستی» است، نه «هستی» و «چیستی» یک موجود خاص.

۲۳۶۶- گزینه ۲: ماهیت‌هایی همچون «انسان ده‌چشم» که در ذهن حاضرند، اما در خارج موجود نمی‌باشند، دلیلی بر مغایرت وجود و ماهیت هستند، زیرا اگر وجود و ماهیت مغایرت نمی‌داشتند، هر ماهیتی که در ذهن حاضر می‌شد باید در خارج نیز وجود می‌یافت.

۲۳۶۷- گزینه ۲

نکته: حمل «الف» بر «ب»، یعنی «ب الف است».

حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» مانند حمل «سه‌ضلعی» بر «مثلث» حمل اولی ذاتی و بی‌نیاز از دلیل محسوب می‌شود. حمل در هر سه گزینه دیگر حمل غیر ذاتی و نیازمند دلیل است.

۲۳۶۸- گزینه ۱: چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات انسان است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان»، حمل چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.

۲۳۶۹- گزینه ۳: حمل «فلز مایع» بر «جیوه» نیازمند دلیل نیست، زیرا تعریف حقیقی جیوه بر آن حمل شده است، اما حمل «هستی» بر «چیستی» نیازمند دلیل است. این دلیل می‌تواند حسی (تجربی) یا عقلی محض باشد.

نکته: کتاب درسی در این درس بین دلیل حسی و دلیل تجربی فرقی نمی‌گذارد و تفاوت دقیق این دو در درس ۷ یازدهم و درس ۷ دوازدهم مطرح است.

۲۳۷۰- گزینه ۳: زیرا «چیستی» و «هستی» دو مفهوم جدا هستند و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست. ۱) و ۴) در این دو فرض محال، حمل هستی نیازمند دلیل نخواهد بود.

۲۳۷۱- گزینه ۴: در گزاره «انسان موجود است» محمول، «هستی» است که برای حمل آن بر موضوع (ماهیت) نیازمند دلیل هستیم، اما دلیل می‌تواند حسی (تجربی) یا عقلی محض باشد.

۲۳۷۲- گزینه ۱

نکته: تعریف حقیقی هر چیز در واقع، ذکر چیستی و ذاتیات همان چیز است، بنابراین نیازی به دلیل ندارد.

۲۳۷۳- گزینه ۳: ماهیت مثلث «شکل سه‌ضلعی» است؛ بنابراین نسبت‌دادن این ویژگی‌ها به مثلث نیازمند دلیل نیست، اما زاویه‌داشتن اگرچه برای مثلث ضروری است ولی چون جزء ذاتیات آن نیست پس نیاز به دلیل دارد.

۲۳۷۴- گزینه ۳

نکته: شکل سه‌ضلعی همان حقیقت و ذات مثلث است؛ بنابراین موضوع و محمول تفاوت مفهومی با یکدیگر ندارند (رد ۱ و ۴)، اما در «مثلث»، به ذاتیات اشاره نشده است، ولی در «شکل سه‌ضلعی»، ذاتیات مثلث هم مشخص شده‌اند (رد ۲) به تعبیر دیگر تفاوت «مثلث» و «شکل سه‌ضلعی» صرفاً در اجمال و گستردگی مفهومی است. (هرچند خود این عبارت از کتاب درسی حذف شده است، اما هنوز مفهوم این عبارت از متن کتاب قابل برداشت است.)

۲۳۷۵- گزینه ۴: قضایای الف) و ب) که همواره نیاز به دلیل ندارند. قضایای ب) و پ) هم با فرض یکی‌بودن هستی و چیستی اشیا، نیاز به دلیل ندارند.

توجه ۱: فرض این سؤال «عینیت» وجود و ماهیت است.

توجه ۲: فرض محال موجب نمی‌شود، امر محال، ممکن شود. فرض محال فقط در مقام فرض قابلیت مطرح شدن دارد و هم‌چنان در مقام واقعیت محال است.

۲۳۷۶- گزینه ۲: حمل وجود بر هر چیستی (ماهیت)، نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض. (البته در فلسفه یازدهم با شهود نیز به عنوان منبع شناخت آشنا شدید، اما در این‌جا مورد اشاره کتاب قرار نگرفته است.)

۲۳۷۷- گزینه ۳: مغایرت وجود و ماهیت نشان می‌دهد که وجود و ماهیت، دو حیثیت متفاوت از یک شیء هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) مغایرت وجود و ماهیت در ذهن و از لحاظ مفهوم است، نه آن‌که دو موجود جداگانه باشند. ۲) رابطه وجود و ماهیت همچون رابطه مجموعه و زیرمجموعه نیست. ۴) مغایرت وجود و ماهیت نشان می‌دهد حمل وجود بر ماهیت ضروری نیست نه برعکس.

۲۳۷۸- گزینه ۲: در قضیه «انسان موجود است»، حمل شایع صناعی صورت گرفته است یعنی مفهوم محمول غیر از موضوع است و حمل آن نیاز به دلیل دارد. در عبارت ۲) نیز محمول غیر از موضوع است و برای نسبت‌دادن محمول به موضوع نیاز به دلیل داریم، اما در گزینه‌های دیگر محمول و موضوع یکی هستند و برای حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل نیست.

۲۳۷۹- گزینه ۱: نسبت‌دادن یا حمل مفهوم فیلسوف بر ملاصدرا در عبارت «ملاصدرا فیلسوف است» نیازمند دلیل است، چون فیلسوف از اجزای تعریفی ملاصدرا نیست (ذاتی ملاصدرا نیست)؛ پس حمل آن به دلیل نیاز دارد.

در سایر گزینه‌ها چون مفهوم مایع برای آب، پستاندار برای سگ و متوازی‌الاضلاع برای مستطیل، ویژگی ذاتی به حساب می‌آیند، حمل آن‌ها بی‌نیاز از دلیل است. دقت کنید که متوازی‌الاضلاع به هر شکلی گفته می‌شود که اضلاع آن با یکدیگر موازی باشند. (البته این‌که «متوازی‌الاضلاع» جزء تعریف حقیقی مستطیل باشد یا «پستاندار» جزء تعریف حقیقی سگ باشد، موضوعی مورد اختلاف است زیرا در تقسیمات ارسطویی ذاتی محسوب نمی‌شده ولی مطابق تعاریف ریاضیدانان و زیست‌شناسان جدید، ذاتی به حساب می‌آیند، ولی چون ۱) به وضوح پاسخ این سؤال بود، متوجه می‌شویم که طراح تقسیمات جدید را مورد نظر قرار داده است.)

۲۳۸۰- گزینه ۴: مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) واقعیت همان هستی است، لذا از نظر مفهومی، از هستی جداشدنی نیست. ۲) و ۳) هر دو محمول جزئی از ماهیت موضوع هستند و از آن جدایی‌ناپذیرند. (البته ذاتی‌بودن پستاندار می‌تواند مورد اختلاف باشد ولی چون ۴) پاسخ قطعی و بدون اختلاف است، پستاندار را ذاتی در نظر می‌گیریم.)

۲۳۸۱- گزینه ۱

نکته: اگر عینیت وجود و ماهیت برقرار باشد، تعریف هر چیزی فقط «وجود» خواهد بود (مثلاً اسب یعنی وجود، مداد یعنی وجود، سیب یعنی وجود و ...) و دیگر تفاوتی میان وجود و هیچ ماهیتی نیست و همه ماهیات عین وجود می‌شوند؛ بنابراین چون مفهوم وجود بین همه موجودات مشترک است پس مفهوم ماهیات هم مشترک خواهند شد و تفاوتی با هم نخواهند داشت.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) اگر مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، بنابراین این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیر می‌شوند و حمل آن‌ها بر یکدیگر ضروری خواهد بود. ۳) اگر مغایرت ذهنی وجود و ماهیت برقرار باشد حمل محمول وجود بر موضوعی که ماهیت باشد، ضروری نیست، اما می‌تواند امکانی یا امتناعی باشد. ۴) دوگانگی وجود و ماهیت یا همان تمایز آن‌ها تنها در ذهن و از لحاظ مفهوم است، ولی از نظر مصداق، یکسان هستند.

۲۳۸۲- گزینه ۳: محمول همه گزینه‌ها ویژگی‌هایی را به موضوع نسبت می‌دهند که جزء تعریف موضوع است. غیر از ۳ که «لزوم رسیدن نور» را نسبت داده است و این چیزی نیست که در تعریف نبات (جسم رشدکننده) وجود داشته باشد؛ بنابراین این ویژگی نیاز به دلیل دارد و ضروری نیست. توجه کنید که «حساس» قطعاً ذاتی حیوان است ولی «دارای حرکت ارادی» هم در برخی کتاب‌های منطقی به عنوان ویژگی ذاتی حیوان مطرح شده است. اگرچه در کتاب درسی نسبت به این امر سکوت شده است ولی این احتمال وجود دارد در تست‌ها مورد نظر طراح باشد.

۲۳۸۳- گزینه ۱: حمل هستی بر چیستی همواره نیازمند دلیل است زیرا وجود نه عین هیچ ماهیتی است و نه جزء هیچ ماهیتی است. ۲) مفهوم هستی، مشترک بین موجودات است در حالی که چیستی‌ها وجه افتراق اشیا هستند. بنابراین چیستی نمی‌تواند بر مفهوم هستی حمل شود. ۳) این که واقعیتی هست نیازی به دلیل ندارد و در آن مفهوم هستی بر واقعیت حمل شده است. ۴) بدون نیاز به دلیل، چیستی یک مفهوم، بر خودش قابل حمل است، مثل «مثلث، مثلث است».

۲۳۸۴- گزینه ۳: **نکته:** ۱) «حمل الف بر ب» یعنی «ب الف است». ۲) در سوالات فلسفه کنکور، بر خلاف آنچه در کتاب‌های ریاضی متداول است، شکل‌ها همان خطوط محیطی‌شان نیستند، بلکه شکل، سطح محدود به خطوط محیطی است. مثلاً دایره، خط منحنی بسته نیست، بلکه قرصی است که مساحت دایره را تشکیل می‌دهد (رد ۲). همچنین مربع همان چهارضلع نیست، بلکه سطح محدود به چهارضلع است (رد ۱).

دوزنقه بنا بر تعریف، شکل چهارضلعی با دو ضلع موازی و دو ضلع غیرموازی است. بنابراین چهارضلعی بودن، جزء ذات دوزنقه است و حمل آن نیاز به دلیل ندارد. توجه کنید که مربع، مستطیل، دوزنقه و ... چهارضلع نیستند بلکه چهارضلعی هستند (یعنی قسمتی از صفحه هستند که به چهارضلع محدود است و به عبارت دیگر، دارای چهارضلع هستند، نه این که خودشان همان چهارضلع باشند) (رد ۱).

۴) قطرهای لوزی ضرورتاً عمود بر هم هستند ولی این ویژگی جزء تعریف حقیقی لوزی نیست. تعریف لوزی اینچنین است: چهارضلعی با اضلاع برابر.

۲۳۸۵- گزینه ۱: **نکته:** در فرض عینیت ماهیت با وجود، هر چه تصور کنیم موجود نمی‌شود، بلکه هر چه تصور کنیم، از قبل موجود بوده است، زیرا ذاتیات داندی و گرفتنی نیستند؛ پس وقتی «وجود» عین ذات یا جزء ذاتیات شد، دیگر نمی‌توان چیزی را به وجود آورد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) در حمل اولی ذاتی، موضوع و محمول، مفهوم یکسان دارند. وقتی همه ماهیات عین وجود باشند، پس مفهوم همه یکسان می‌شود. ۳) هر تغییری مستلزم از بین رفتن حالت قبلی و به وجود آمدن حالت جدید است، اما در فرض عینیت ماهیت با وجود، «وجود» ذاتی هر حالتی می‌شود و چون ذاتیات را نمی‌توان گرفت یا داد؛ پس نمی‌توان وجود را از هیچ چیزی گرفت یا به چیزی داد. به عبارت دیگر نه چیزی به وجود می‌آید و نه چیزی از بین می‌رود و نتیجه این است که حالت قبلی هیچ چیزی هم از بین رفتنی نخواهد بود و حالت جدیدی هم قابل ایجاد نخواهد بود؛ پس تغییر و حرکت محال خواهد شد. ۴) در این صورت وجود هیچ چیزی دلیل نمی‌خواهد، زیرا هر چیزی ماهیتی دارد و ماهیت عین وجود است؛ پس تحقیق کردن برای کشف وجود بیهوده خواهد بود.

۲۳۸۶- گزینه ۳: **نکته:** حمل خود یک مفهوم یا تعریف حقیقی‌اش یا اجزای تعریف حقیقی‌اش بر آن بی‌نیاز از دلیل است و سایر حمل‌ها به دلیل نیاز دارد.

این که زمین دارای جاذبه است، یک حمل نیازمند دلیل است، زیرا در تعریف «زمین» از مفهوم «دارای جاذبه بودن» استفاده نشده است؛ بنابراین باید در گزینه‌ها به دنبال حمل نیازمند به دلیل باشیم.

بررسی گزینه‌ها: ۱) بی‌نیاز از دلیل است زیرا تعریف جسم، «شیء (جوهر) ممتد در سه بُعد است» (ممتد یعنی دارای امتداد و کشیدگی). ۲) بی‌نیاز از دلیل است زیرا دقیقاً تعریف دانش فلسفه را به فلسفه نسبت داده است. ۳) به دلیل نیاز دارد زیرا محمول، جزء تعریف آب نیست. تعریف آب، مایع بی‌رنگ، بی‌بو و بی‌مزه است و دلیل شوربودن آب این است که اگر شور بود، بامزه می‌شد و این با تعریف آب سازگار نیست.

۴) بی‌نیاز از دلیل است زیرا «وجود» مفهومی بدیهی است و با آن مفهوم «عدم» یا «نیستی» را تعریف می‌کنند، به این شکل که «نیستی همان نبود وجود است»؛ بنابراین سلب موجودیت از «نیستی» (یعنی اینکه «نیستی نیست» یا «عدم، وجود ندارد») جزء ذاتیات آن است و نیاز به دلیل ندارد.

۲۳۸۷- گزینه ۱: **نکته:** در فرض جزء ماهیت‌بودن وجود، هر ماهیتی از وجود و یک جزء ماهوی دیگر درست خواهد شد و آن جزء ماهوی چون خودش یک ماهیت است، طبق فرض از وجود و یک جزء ماهوی دیگر درست می‌شود و باز آن جزء ماهوی هم به همین شکل از وجودهای دیگر و اجزای ماهوی دیگر درست می‌شوند و این سلسله تا بی‌نهایت پیش می‌رود؛ بنابراین هیچ ماهیتی وحدت نخواهد داشت، بلکه معادل بی‌نهایت موجود خواهد شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) در هر دو فرض جزئیت وجود برای ماهیت یا عینیت آن با ماهیت، هیچ علت و معلولی وجود نخواهد داشت، زیرا علت یعنی به‌وجودآوردن و وقتی وجود ذاتی همه چیز باشد، همه چیز از ازل تا ابد موجود خواهد بود و دیگر هیچ چیز قابل به وجود آوردن نخواهد بود. ۳) و ۴) هر دو از تالی فاسدهای (نتایج محال) هر دو فرض هستند.

۲۳۸۸- گزینه ۴: **نکته:** تأثیر بحث «مغایرت وجود و ماهیت» این سینا بر مباحث جدید به گونه‌ای بود که برخی گفته‌اند: «فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است».

۲۳۸۹- گزینه ۳: بحث مغایرت وجود و ماهیت پایه‌ای یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات خداوند (مبدأ هستی) است که برهان «وجوب و امکان» نام دارد.

۲۳۹۰- گزینه ۲: **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) پیشینیان ابن سینا هم به این بحث توجه داشتند، ولی او توجه ویژه‌ای به آن داشت که ثمرات فلسفی فراوانی به جا گذاشت. ۳) ابن سینا این بحث را در برهان «وجوب و امکان» به کار می‌گیرد. ۴) این بحث که از سوی آکوئیناس در اروپا مطرح شد، موجب مناقشات فراوانی در آن‌جا شد.

۲۳۹۱- گزینه ۲: **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) مکتب فلسفی «تومیس» هنوز به نام او در جریان است. ۲) فلسفه ابن سینا مورد توجه و استفاده توماس آکوئیناس بود نه برعکس. ۴) آکوئیناس پیش از ملاصدرا بوده است و نمی‌تواند فلسفه‌اش بر نظرات ملاصدرا متکی باشد.

۲۳۹۲- گزینه ۳: توجه ویژه ابن سینا به بحث مغایرت ذهنی هستی و چیستی، مبدأ گفت‌وگوهای فراوان بین فیلسوفان شده است و منجر به پایه‌ریزی مکتب فلسفه «تومیس» توسط آکوئیناس شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) آکوئیناس در بحث مغایرت وجود و ماهیت و اثبات وجود خدا براساس آن، تابع و پیرو ابن سینا بود و مستقل از او نبود. ۲) آکوئیناس مانند ابن سینا و با تبعیت از او بحث مغایرت وجود و ماهیت (نه ذات و ماهیت) را پایه برهان‌ش برای اثبات وجود خدا قرار داد. ۴) مغایرت ذهنی هستی و چیستی، پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات وجود خدا (نه ضرورت وجود خدا) بوده است (با تفاوت «وجود خدا» و «ضرورت وجود خدا» در درس ۵ بیشتر آشنا خواهید شد).

۲۳۹۳- گزینه ۴: **نکته:** ابن سینا به بحث «تفکیک مفهوم وجود و ماهیت» توجه ویژه کرد (رد ۱)، ولی این به معنای این نبود که پیشینیان به این مطلب اصلاً توجه نداشته‌اند (رد ۳). بعد از او این بحث برای خود، عنوان مجزایی پیدا کرد و به طور مستقل بررسی می‌شد.

۲) فلسفه تومیس را توماس آکوئیناس پایه‌ریزی کرد.

۲۳۹۴- گزینه ۴: توماس آکوئیناس فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۲۳۹۵- گزینه ۳: همه دلایل درست‌اند، ولی بارزترین دلیل آن است که ماهیاتی را تصور می‌کنیم که وجود ندارد، مثل تصویر اژدها.

۲۳۹۶- گزینه ۲: در مواردی چیزی را واقعی پنداشتیم و بعد متوجه شده‌ایم آن چیز خیالی بوده است و واقعیت ندارد مانند سراب؛ یعنی در این موارد در ذهن ما مفهومی صرفاً ذهنی وجود داشته است اما در خارج مابه‌ازایی نداشته و واقعیتی خارجی در کار نبوده است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) این موارد برخی اوقات بر ایمان واقع می‌شود. ۳) اموری که در اطراف ما هستند امور واقعی هستند نه خیالی. ۴) ماشین اسباب‌بازی کودکان یک شیء واقعی است که وجود خارجی دارد نه یک امر تخیلی.

۲۴۱۰- گزینه ۴ منظور از ذاتی، بی‌نیاز از دلیل و منظور از غیرذاتی، نیازمند به دلیل است. هم‌چنین توجه کنید که اعداد و اشکال و احجام هندسی، جسم نیستند بلکه مقدار یا کمیت هستند و در فلسفه مقدار یا کمیت امری ذهنی و غیرمادی است و ویژگی‌های مواد یا اجسام را ندارد. البته اعداد مقدارهای گسسته یا متفصل هستند و اشکال و احجام هندسی مقدارهای پیوسته یا متصل‌اند (هم‌چنین همه این مقدارها ثابت‌اند و تنها مقدار غیرثابت، زمان است که البته تعریف زمان در تست‌ها نمی‌آید).

بررسی گزینه‌ها: ۱. قسمت اول: غیرذاتی است، زیرا جزء ذات مکعب نیست ولی به این دلیل که مکعب مقدار است و جسم نیست و فقط اجسام رنگ‌پذیر هستند، اثبات می‌شود. قسمت دوم: ذاتی گل رز است، زیرا همه گیاهان جسم نامی غیرحساس هستند. ۲. قسمت اول: ذاتی است، زیرا اعداد همگی مقدارهای ثابت گسسته هستند. قسمت دوم: غیرذاتی است، زیرا گردیون جزء تعریف کره نیست. تعریف کره مجموعه نقاطی از فضا است که از یک نقطه ثابت به یک فاصله ثابت‌اند. ۳. قسمت اول: غیرذاتی است، زیرا هرم یک مقدار پیوسته ثابت است و جسم نیست که در سه بُعد امتداد داشته باشد؛ پس گزاره اول اساساً نادرست است و طبعاً غیرذاتی هم هست. قسمت دوم: ذاتی است، زیرا تعریف مربع می‌شود: مستطیل لوزی (چهارضلعی با زوایای قائمه و اضلاع برابر). ۴. قسمت اول: ذاتی است، زیرا تعریف «تصور» دانش بدون حکم است. قسمت دوم: ذاتی است، زیرا تعریف آب می‌شود: مایع بی‌رنگ، بی‌بو و بی‌مزه.

۲۴۱۱- گزینه ۴

نکته: جیوه به صورت «فلزی که در دمای اتاق مایع است» تعریف شده؛ بنابراین حمل مایع بر جیوه، بی‌نیاز از دلیل است، چراکه «مایع» جزئی از تعریف «جیوه» است، اما حمل «جیوه» بر «مایع» (مایع، جیوه است) به دلیل نیاز دارد، چراکه به‌جز جیوه چیزهای دیگر مثل آب هم مایع هستند.

بررسی گزینه‌ها: ۱. شکل، ذاتی دایره است و این حمل، بی‌نیاز از دلیل است. ۲. و ۳. انسان، همان بشر است و مجرد نیز همان غیرمادی است؛ پس هر دو حمل، بی‌نیاز از دلیل‌اند، چراکه یک چیز بر مترادف خودش حمل شده است. ۴. هر مربعی مستطیل است، اما هر مستطیلی مربع نیست؛ پس حمل مربع بر مستطیل، نیازمند دلیل است.

۲۴۱۲- گزینه ۱

نکته: تنها اگر وجود، جزء ماهیت و یا عین ماهیت بود، رابطه ذاتی بین این دو برقرار می‌شد و در آن صورت، حمل وجود بر ماهیت، بی‌نیاز از دلیل بود. به تعبیر دیگر می‌دانستیم که هر ماهیتی موجود است.

بررسی سایر گزینه‌ها: وجود و ماهیت، دو جنبه از یک واقعیت واحد هستند، نه این‌که با یکدیگر ترکیب شوند و واقعیت را به وجود بیاورد. ۳. اصل حمل‌شدن بر یکدیگر، متفاوت‌بودن مفهوم موضوع و محمول را نشان نمی‌دهد، چنان‌چه می‌گوییم «انسان بشر است» و با وجود این‌که مفهوم این دو، یکی است، آن‌ها را بر یکدیگر حمل می‌کنیم، بلکه آن‌چه تفاوت و تمایز دو مفهوم و نداشتن رابطه ذاتی با یکدیگر را نشان می‌دهد، این است که حمل وجود بر ماهیت به دلیل نیاز دارد. ۴. اگر وجود، جزئی از ماهیت باشد لزوماً اشیا عین هم نمی‌شوند، چون درست است که اشیاء در وجود، مشترک می‌شوند، اما سایر اجزای ماهیت، می‌توانست تمایزها را ایجاد کند (مثلاً انسان به معنای «حیوان ناطق موجود» و مثلاً به معنای «شکل سه‌ضلعی موجود» بودند و این دو مفهوم در «موجود» مشترک و در «حیوان ناطق» و «شکل سه‌ضلعی» متمایز هستند؛ بنابراین تنها اگر وجود و ماهیت عین هم باشند، همه ماهیت‌ها یکی می‌شود.

۲۴۱۳- گزینه ۳ این رفتار به قبول واقعیت‌داشتن اموری در پیرامون ما مرتبط است و این رفتار به تنهایی نشانگر تمایز وجود و ماهیت نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. این رفتار اصل فلسفی واقعیت مستقل از ذهن را به خاطر می‌آورد یعنی اصلی که می‌گوید چیزهایی پیرامون ما هست که واقعیت دارد. ۲. این یک رفتار طبیعی است یعنی به صورت طبیعی انسان‌ها این‌گونه رفتار می‌کنند. ۴. چنین رفتاری بیانگر آن است که در اطراف ما چیزهای واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

۲۴۱۴- گزینه ۱ چون کوه ذهنی، وجود خارجی ندارد، لذا آثار وجود خارجی را هم ندارد. وجود همان وجه مشترک همه موجودات است.

تذکره: البته کوه ذهنی نوع دیگری از وجود را دارد که منشأ آثار متفاوتی است. تنها اثر وجود ذهنی، آگاه‌ساختن ذهن از ماهیت اشیای خارجی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: همگی عدم حضور ماهیت درست کوه در ذهن را بیان می‌کنند که مطلب نادرستی است.

۲۴۱۵- گزینه ۲ آکوئیناس مانند ابن سینا و با تبعیت از او بحث مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان اثبات وجود خدا قرار داد (رد ۱) و بر این اساس، فلسفه‌ای را به نام تومیسیم در اروپا پایه‌ریزی کرد که تا امروز هم در جریان است؛ پس این سینا به طور غیرمستقیم و به واسطه آکوئیناس و خود آکوئیناس به طور مستقیم در این جریان‌سازی نقش داشتند. ۳. مبتکر این بحث ابن سینا نیست بلکه فلاسفه مسلمان قبل از او همچون فارابی به این مسئله توجه داشته‌اند. ۴. این بحث ربطی به ابن سینا ندارد و در آثار ملاصدرا مطرح می‌شود.

۲۳۹۷- گزینه ۳ عبارات الف تا پ درست‌اند، اما ت درباره «هستی» درست است، نه «چیستی».

دلیل درستی عبارت (پ): وقتی کودک با انگشت خود اشیا را نشان می‌دهد و با الفاظ «این» یا «آن» به آن‌ها اشاره می‌کند یعنی متوجه وجود آن‌ها شده است. سپس از چیستی می‌پرسد؛ یعنی می‌گوید: «این چیست؟»

۲۳۹۸- گزینه ۳ ماهیت و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم متفاوت‌اند و در خارج، یک واقعیت است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم.

۲۳۹۹- گزینه ۳ پرسش «این چیست؟» نشان می‌دهد ۱- وجود و ماهیت مغایر است (رد ۱) و ۲- پرسشگر به وجود شیء علم دارد (رد ۲)، ولی از ماهیت آن بی‌اطلاع است.

۲۴۰۰- گزینه ۲ «زیادت وجود بر ماهیت» نام دیگر «مغایرت وجود و ماهیت» است و لذا هر دو مورد قبول است، ولی «عینیت مفهوم وجود و ماهیت» مقابل آن‌ها و مردود است. عینیت وجود و ماهیت فقط در خارج از ذهن و از جهت مصداق است.

۲۴۰۱- گزینه ۱

نکته: از این‌که بدانیم چیزی وجود دارد، اما ندانیم که چیست، می‌توانیم نتیجه بگیریم که هستی (وجود) یک شیء و چیستی (ماهیت) آن، دو جنبه متفاوت هستند.

در تمام گزینه‌ها غیر از ۱، از وجود چیزی اطلاع داریم و سؤالان در مورد چیستی آن است؛ اما در ۱، هم از وجودداشتن گوشی تلفن همراهمان آگاهییم و هم چیستی آن را می‌دانیم و فقط سؤالان در مورد مکان آن است که این سؤال، در بحث وجود و ماهیت کمکی نمی‌کند.

۲۴۰۲- گزینه ۲ **بررسی گزینه‌ها:** ۱. و ۳. و ۴. همگی نیازمند دلیل هستند، چون «فانی‌بودن»، «راست‌قامت‌بودن» و «موجودبودن» هیچ‌کدام ماهیت و ذات انسان نیستند و جزئی از ماهیت انسان هم نیستند. ۲. نیازمند دلیل نیست. «جسم نامی حساس» همان «حیوان» است؛ پس ۲ در اصل همان «انسان، حیوان ناطق است» می‌باشد که «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چیستی او را تشکیل می‌دهند.

۲۴۰۳- گزینه ۳ قدم نخست برای شناخت «هستی» و «چیستی» و نسبت میان آن‌ها، قبول اصل واقعیت مستقل از ذهن است؛ یعنی این‌که بپذیریم واقعیت‌هایی در پیرامون ما وجود دارد و میان واقعیت و عدم واقعیت تفاوت است.

۲۴۰۴- گزینه ۱ اصل وجود همان واقعیت عام است که اثبات‌نشدنی و انکارنشده‌ای است، ولی وجود یک امر خاص نیاز به دلیل دارد. مثلاً وجود «جن» نیاز به دلیل دارد و انکارپذیر است (رد سایر گزینه‌ها).

۲۴۰۵- گزینه ۲ وقتی مفهومی را دقیق تعریف می‌کنیم ماهیت آن برایمان مجهول نیست (رد ۱ و ۴). ولی ممکن است در وجود آن تردید داشته باشیم. مثل «الکترون ذره‌ای» که امروزه در وجود آن تردید شده است و به جای آن «الکترون موجی» مطرح گردیده است (رد ۳).

۲۴۰۶- گزینه ۱ مغایرت وجود و ماهیت پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا بود که آکوئیناس هم آن را در اروپا ترویج داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آن‌جا شد.

۲۴۰۷- گزینه ۴ در این سؤال باید به دنبال گزینه‌ای باشیم که عبارت اول ما را به عبارت دوم راهنمایی می‌کند.

بررسی گزینه‌ها: ۱. این‌که «حیوان ناطق» همان ذات انسان است نشان می‌دهد ۱- حمل «حیوان ناطق» بر انسان حمل بی‌نیاز از دلیل است و مانند حمل «مخلوق» بر «انسان» که نیازمند دلیل است، نمی‌باشد. ۲. پرسش از چیستی یک چیز نشان می‌دهد ۲- به وجود آن علم داریم اما چیستی‌اش را نمی‌دانیم. ۳. عدم برقراری رابطه ذاتی میان «وجود» و «انسان» نشان می‌دهد ۳- حمل «وجود» بر «انسان» نیازمند دلیل است اما این دلیل می‌تواند حسی یا عقلی محض باشد؛ بنابراین منحصر در دلیل عقلی نیست. ۴. اعمال و رفتارهای طبیعی انسان، از جمله مورد ذکرشده، نشان می‌دهد ۴- چیزهایی که پیرامون خود می‌بینیم را واقعی می‌دانیم و برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

۲۴۰۸- گزینه ۳ ماهیت و وجود، در ذهن، هرگز با یکدیگر یکی نیستند و هیچ‌گاه یکی جزء دیگری نیست، بلکه دو مفهوم کاملاً متمایز هستند.

۲۴۰۹- گزینه ۱ وجود و ماهیت، از مفاهیم پرکاربرد بین انسان‌ها هستند که جزء مباحث اولیه فلسفه به شمار می‌روند و برای شناخت وجود و ماهیت و نسبت بین آن‌ها باید چهار گام برداشت:

۱. موجود یا موجوداتی در جهان هستند (پذیرش واقعیت) که به آن‌ها علم داریم و می‌توانیم از آن‌ها برای رفع نیازها استفاده کنیم. ۲. وجود و هستی جنبه مشترک موجودات و ماهیت و چیستی، بعد اختصاصی آن‌هاست. ۳. هرچند وجود و ماهیت در جهان خارج یکی‌اند ولی در ذهن، دو مفهوم هستند: مغایرت ذهنی وجود و ماهیت. ۴. این‌که هر موضوعی (ماهیتی) برای وجودداشتن نیازمند دلیل و استدلال است، نشانه‌ای از مغایرت وجود و ماهیت است.

❖ اگر این دو جنبه بودن به معنای مغایرت باشد؛ پس نتیجه را فرض گرفته‌ایم و به جای اثبات صحیح آن، مرتکب استدلال دوری یا مصادره به مطلوب شده‌ایم، اما اگر دو جنبه بودن به معنای مغایرت وجود و ماهیت نباشد؛ پس هنوز چیزی اثبات نشده است و بعد از فهم معنای این دو جنبه باید بر مغایرت آن دو دلیل اقامه کنیم. ❖ سؤال «این چیست؟» نشان می‌دهد به وجود پی برده‌ایم و به دنبال شناخت ماهیت هستیم و لذا وجود و ماهیت مغایرت دارند، اما این گزینه نمی‌گوید وجود را شناخته‌ایم، بلکه می‌گوید خودش را شناخته‌ایم. مقصود از «خود»، ذات یک امر است که در این مبحث به طور معمول بر ماهیت اطلاق می‌شود، نه وجود. به هر حال چون تصریح نداریم که مقصود از «خود» وجود باشد؛ پس نمی‌توان این استدلال را لزوماً صحیح دانست.

❖ گزینه ۲۴۲۲ «۴»

❖ نکته: در حمل اول ذاتی، محمول خود موضوع یا بخشی از آن است. به همین خاطر وقتی موضوع را تصور می‌کنیم، محمول را نیز درون موضوع تصور کرده‌ایم و همین تصور کافی است برای این که حکم کنیم محمول بر موضوع حمل می‌شود و نیازی به دلیل نداریم. مثلاً وقتی مثلث را تصور می‌کنیم، همان شکل سه‌ضلعی را تصور کرده‌ایم و طبیعتاً نباید دلیل بیاوریم که مثلث شکل سه‌ضلعی است.

❖ بررسی سایر گزینه‌ها: ❶ ممکن است کل ذات را نیز نسبت دهد، مثل «انسان بشر است». یا «انسان حیوان ناطق است.»؛ پس محمول، لزوماً اجزای ذات نیست. ❷ بسیاری از حمل‌های غیرذاتی هم همین ویژگی را دارند، مثلاً حمل «سه زاویه‌ای» بر «مثلث» شامل همه افراد موضوع می‌شود و آن را از همه دیگر موضوعات متمایز می‌سازد ولی این حمل، اولی ذاتی نیست. همچنین حمل «شکل» بر «مثلث» اولی ذاتی است ولی این‌طور نیست که مثلث را از همه دیگر شکل‌ها متمایز سازد. ❸ در همه حمل‌های ضروری، محمول از موضوع عقلاً جدایی‌ناپذیر و لاینفک است، ولی برخی حمل‌های ضروری، اولی ذاتی نیستند، مثل حمل «سه زاویه‌ای» بر «مثلث».

❖ گزینه ۲۴۲۳ «۲»

❖ نکته: حمل ناطق بر انسان، بی‌نیاز از دلیل است ولی حمل انسان بر ناطق به دلیل نیاز دارد، زیرا «ناطق انسان است.»؛ یعنی «ناطق، حیوان ناطق است.» پس محمول ما دو بخش دارد: «حیوان» و «ناطق». بدیهی است که حمل «ناطق» بر «ناطق» بی‌نیاز از دلیل است ولی حمل بخش دیگر یعنی «حیوان» به دلیل نیاز دارد. به همین ترتیب حمل «پلاتین» بر «فلز» و نیز حمل «مارماهی» بر «زنده» نیز به دلیل نیاز دارند. البته این دلایل می‌توانند حسی و تجربی باشند. مثل این که تا به حال هیچ ناطقی غیر از حیوان ناطق مشاهده نشده است.

❖ بررسی سایر گزینه‌ها: ❶ این مطلب در فرض این که همه ماهیات عین «وجود» باشند، درست است ولی این که «وجود» ذاتی موضوعات باشد در فرض جزئیت «وجود» برای «ماهیات» هم رخ خواهد داد؛ بنابراین موضوعات مختلف اگر چه در مفهوم «وجود» مشترک خواهند بود ولی در سایر اجزای تعریفی و ذاتی‌شان از هم متمایز خواهند شد، مثلاً «مثلث» می‌شود: «شکل سه‌ضلعی موجود» و «انسان» می‌شود: «حیوان ناطق موجود» و طبیعتاً در «شکل سه‌ضلعی» بودن یا «حیوان ناطق» بودن با هم فرق خواهند داشت. ❷ وجود و ماهیت دو جنبه مفهومی از واقعیات هستند، ولی از اجزای مفهومی آن‌ها نیستند. اجزای مفهومی واقعیات همان اجزای ماهیت محسوب می‌شوند که وجود جزء آن‌ها نیست، مثلاً از «انسان» دو مفهوم «وجود» و «حیوان ناطق» درک می‌شود ولی این دو مفهوم، اجزای مفهومی انسان نیستند، بلکه اجزای مفهومی انسان، «حیوان» و «ناطق» هستند. ❸ این اصل توسط ابن سینا به فلسفه مسیحیان منتقل نشد، بلکه به دست توماس آکوئیناس انتقال یافت.

❖ نکته: وقتی چیزی را می‌شناسیم یعنی دست کم یکی از وجود یا ماهیتش را شناخته‌ایم. اگر در تشخیص یکی از وجود یا ماهیت خطا کنیم ولی دیگری را درست تشخیص دهیم، به این معناست که این دو یکسان و عین یکدیگر نیستند. همچنین این فرض که وجود جزئی از ماهیت باشد نیز منتهی است زیرا در این صورت شناخت وجود به این معناست که یکی از اجزای ذات را شناخته‌ایم و شناخت ماهیت نیز به معنای شناخت وجود خواهد بود (یعنی نمی‌شود در یکی از این موارد خطا کرده باشیم و دیگری را درست تشخیص داده باشیم و این با فرض مطرح شده در این گزینه سازگار نیست). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نه ماهیت عین وجود است و نه وجود جزء ماهیت است؛ پس حمل وجود بر ماهیت نیاز به دلیل دارد.

❶ تعریف حقیقی جیوه همان فلز مایع است؛ بنابراین لازم نیست نشان دهیم که جیوه ویژگی‌های اصلی فلزات و مایعات را دارد بلکه تنها لازم است نشان دهیم که جیوه وجود خارجی دارد و در جهان تحقق پیدا کرده است.

❷ درست است که نگاه فلسفی به واقعیات به عنوان امری واحد نظر می‌کند و به بررسی اجزای آن‌ها نمی‌پردازد ولی این‌طور نیست که اجزا را انکار کند و نیز با تفاوت اجزا با کل که امری بدیهی است، مخالفتی ندارد؛ پس نباید نپرداختن به اجزا را به معنای انکار آن‌ها در نظر گرفت.

❖ گزینه ۲۴۱۶ «۳» این قدم‌ها به ترتیب این‌گونه‌اند: ❶ قبول واقعیت و امکان شناخت آن ❷ توجه به دو جنبه هستی و چیستی در واقعیات که هستی وجه مشترک و چیستی وجه اختصاصی آن‌هاست. ❸ مغایرت ذهنی این دو مفهوم و یکی‌بودن مصداق خارجی آن‌ها ❹ اثبات این مغایرت براساس نیازمندی حمل وجود بر ماهیت به دلیل، در عین بی‌نیازی حمل ماهیت بر ماهیت به دلیل. ❺ مطابق همین روال است. ❻ بررسی گزینه‌ها: ❶ قدم اول ناقص و قدم سوم نادرست بیان شده است. ❷ قدم دوم و چهارم نادرست مطرح شده‌اند. ❸ قدم دوم نادرست بیان شده است.

❖ گزینه ۲۴۱۷ «۲» وجود و ماهیت یک شیء واقعی، در جهان خارج و واقعیت با یکدیگر وحدت دارند (رد ❶). نسبت دادن مفهوم وجود به هر ماهیتی نیازمند دلیل است (رد ❷). چیستی و هستی با یکدیگر تفاوت مفهومی دارند (رد ❸).

❖ گزینه ۲۴۱۸ «۳»

❖ نکته: فیلسوف مرکب‌بودن آب از اجزای مختلف را انکار نمی‌کند، بلکه اعتبار روش علم تجربی را خود فلسفه تأیید می‌کند (رد ❶)، اما نگاه فیلسوف به اجزای تشکیل‌دهنده نیست، بلکه کل موجود مرکب را به عنوان یک واقعیت که جنبه هستی و جنبه چیستی دارد، در نظر می‌گیرد و آن را از نظر این دو مفهوم تحلیل می‌کند.

❷ انسان به عنوان حقیقت واحد از نظر مفهومی همان حیوان ناطق است؛ پس مرکب از «حیوان» و «ناطق» است. همچنین انسان به عنوان یک واقعیت خارجی مصداق وجود و نیز مصداق ماهیت انسان است. پس به یک معنا مرکب از دو جنبه مفهومی است (البته در درس ۱۱ خواهیم گفت که ملاصدرا واقعیات را فقط مصداق وجود می‌داند، نه ماهیت ولی در این درس نظر ابن سینا مورد نظر است). ❸ از نظر ابن سینا تجربه، ما را با واقعیت خارجی موجودات مادی و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها آشنا می‌کند و اجزا صرفاً یک امر ذهنی نیستند.

❖ گزینه ۲۴۱۹ «۱»

❖ نکته: قدم اول در شناخت وجود و ماهیت و نسبت میان آن دو این است که بپذیریم واقعیتی هست و می‌توان آن را شناخت. در فلسفه یازدهم (درس‌های ۱، ۴، ۶، ۸) دانستیم که سوفیست‌ها اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت آن را نمی‌پذیرند؛ بنابراین این که واقعیتی هست، مسیر ما را از نظر هستی‌شناختی از سوفیست جدا می‌کند و این که می‌توان واقعیت را شناخت مسیر ما را از نظر معرفت‌شناختی از او جدا خواهد کرد؛ پس فیلسوف و سوفیست در همان گام اول و در پذیرش یا عدم پذیرش دو امر بدیهی به اختلاف می‌خورند و مسیرشان از هم جدا می‌شود.

❖ بررسی سایر گزینه‌ها: ❷ این مطلب، خود گام اول نیست، بلکه یکی از روش‌های پی‌بردن به آن است. البته گام اول بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد و توجه به زندگی و نحوه رفع نیازها، تنها تنبیه و تذکر به گام اول و نشانه آن است، نه اثبات آن. ❸ توجه به این دو مفهوم در قدم دوم انجام می‌شود. ❹ درست است ولی کامل نیست. قدم اول غیر از پذیرش واقعیت شامل پذیرش امکان شناخت آن هم می‌شود.

❖ گزینه ۲۴۲۰ «۴» وقتی به واقعی بودن چیزی اعتقاد داریم یعنی حکم به وجود ماهیت آن کرده‌ایم. مثلاً حکم کرده‌ایم که «دیو هست»، اما وقتی متوجه اشتباه خود شده‌ایم این حکم را پس گرفته‌ایم. ولی هم‌چنان ماهیت دیو همان است که می‌فهمیم و درباره‌اش حکم به وجود نمی‌کنیم.

❖ بررسی سایر گزینه‌ها: ❶ چه حکم به وجود چیزی کنیم، چه این حکم را رد کنیم، در هر صورت به مغایرت وجود و ماهیت معتقدیم. ❷ یک اشتباه شناختی به این معنی نیست که هیچ شناخت صحیح قطعی نداریم. ❸ ما در ابتدا حکم به ثبوت هستی کرده‌ایم و بعد از پی‌بردن به اشتباه، حکم به نفی هستی کرده‌ایم؛ پس درباره جنبه هستی حکم کرده‌ایم.

❖ گزینه ۲۴۲۱ «۱»

❖ نکته: فهم واقعی بودن هر ماهیتی، یعنی درک این مطلب که آن ماهیت وجود دارد (حمل وجود بر ماهیت)، به دلیل نیازمند است؛ یعنی چیزی فراتر از شناخت ذاتیات آن ماهیت، اما فهم درستی حمل خود ماهیت یا اجزایش بر همان ماهیت (مثل این که یک مثلث، شکل سه‌ضلعی است یا شکل است یا سه‌ضلعی است). نیاز به چیزی فراتر از شناخت ذاتیات آن ماهیت ندارد. به عبارت دیگر حمل ذات یا ذاتیات یک شیء بر آن، نیاز به دلیل ندارد؛ پس حمل وجود با حمل ماهیت متفاوت است و از این‌رو، وجود با ماهیت مغایرت دارد. این مطلب همان دلیل ابن سینا در قدم چهارم است.

❖ بررسی سایر گزینه‌ها: ❷ ضروری و اجتناب‌ناپذیر بودن، لزوماً به معنای بی‌نیاز از دلیل بودن نیست. بسیاری از حمل‌های نیازمند به دلیل هم ضروری هستند، مثل حمل «دارای مجموع زوایای دو قائمه (۱۸۰ درجه)» بر مثلث که اگرچه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، ولی نیاز به دلیل دارد. حمل وجود هم گاهی ضروری است ولی همواره نیازمند دلیل است. مثلاً این که خداوند وجود دارد که گزاره ضروری است؛ پس نمی‌توان ضروری بودن حمل ذات یا ذاتیات را وجه مغایرت ماهیت و وجود دانست.

- ۳ مکعب همان فضای محدود به وجوه مربعی شکل است. پس این حمل به دلیل نیاز ندارد. ✖
- ۴ مثلث همان شکل سه‌ضلعی است و شکل، یک مقدار پیوسته ثابت است که معادل سطحی محدود به محیط آن شکل است. بنابراین حمل مقدار پیوسته ثابت بر مثلث دلیل نمی‌خواهد. ✖

برای دسترسی به پاسخ سؤالات **ماشی** این درس، کیوارکد کتاب را اسکن کنید.

گزینه	تست	گزینه	تست	گزینه	تست
۳	۲۴۳۹	۲	۲۴۳۴	۱	۲۴۲۹
۴	۲۴۴۰	۲	۲۴۳۵	۴	۲۴۳۰
۱	۲۴۴۱	۴	۲۴۳۶	۳	۲۴۳۱
		۱	۲۴۳۷	۳	۲۴۳۲
		۳	۲۴۳۸	۲	۲۴۳۳

۲۴۴۲- گزینه ۲ ✖ پاسخ سؤال از چیستی و ذات اشیا ← ماهیت و مغایر با وجود است.

۲۴۴۳- گزینه ۲ ✖ ماهیت و وجود اشیا در ذهن مغایر هستند و این به معنای مغایرت مفهومی و معنایی آن‌هاست و از قوه انتزاع و قدرت ذهنی انسان ناشی می‌شود. (بدون دانستن پاسخ جای خالی سوم، می‌توان به این تست پاسخ داد.)

۲۴۴۴- گزینه ۳ ✖ وقتی از واقعیت یک موجود سخن می‌گوییم مثلاً می‌گوییم «کتاب وجود دارد»، در این‌جا مفهومی مغایر با موضوع را بر آن حمل کرده‌ایم، یعنی وجود را بر ماهیت حمل کرده‌ایم.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ حمل وجود بر ماهیت ضروری نیست. ۲ در این قضایا وجود بر ماهیت حمل می‌شود، نه ماهیت خاصی بر موجود. ۴ حمل محمول بر موضوع، نیازمند دلیل حسی یا عقلی است. حتی دلیل شهودی و وحیانی هم می‌تواند معتبر باشد.

۲۴۴۵- گزینه ۲ ✖ وقتی به واقعیت یک شیء اذعان می‌کنیم، یعنی وجود را بر ماهیت حمل می‌کنیم که این حملی غیرضروری است؛ بنابراین نیاز به دلیل حسی یا عقلی دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: وقتی به واقعیت یک شیء اذعان می‌کنیم دو مفهوم دوگانه از یک واقعیت یگانه در ذهن شکل می‌گیرد.

۲۴۴۶- گزینه ۱ ✖ اگر مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، دیگر اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز ندارد و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی است. از این رو امور خیالی همچون ققنوس واقعاً وجود خواهند داشت (رد ۳). این مطلب باعث مبهم‌شدن ماهیات نمی‌شود. ۴ اگر ماهیت و وجود عین هم بودند، چون وجود مفهوم مشترک دارد، همه ماهیات هم عین هم می‌شدند. ولی در صورت سؤال فرض کرده وجود جزء ماهیت باشد. در این صورت هنوز ماهیات می‌توانند جزء غیر مشترک هم داشته باشند و عین هم نمی‌شوند.

۲۴۴۷- گزینه ۲ ✖ لفظ و معنا نزدیک‌ترین مثال موجود در گزینه‌ها برای وجود و ماهیت است، زیرا در آن یک چیز (کلمه) دارای دو حیثیت است. یکی حیثیت معنا و دیگری حیثیت لفظ. اما در گزینه‌های دیگر دو موجود کاملاً متمایز هم در ذهن و هم در خارج وجود دارد.

۲۴۴۸- گزینه ۳ ✖ اسناد هستی به یک چیز زمانی صورت می‌گیرد که محمول ما «موجود» باشد و بر ماهیت حمل شود، مثل «توپ موجود است».

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ جملات انشایی، خبر و اسناد نمی‌دهند. ۲ «پرسش» جمله انشایی است. ۴ دلیل و برهان برای اثبات درستی یک اسناد است، نه خود اسناد.

۲۴۴۹- گزینه ۲ ✖ این‌که ماهیت‌هایی وجود دارند که موجود نیستند مانند ققنوس، خود دلیلی است بر عدم عینیت میان وجود و ماهیت که اصطلاحاً به آن مغایرت یا زیادت وجود بر ماهیت می‌گویند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ یک مطلب عقلی با برهان عقلی ثابت می‌شود، نه هم‌نظر شدن افراد. ۳ مطلب درستی است زیرا تصور یک ماهیت به معنای وجود ذهنی پیدا کردن آن ماهیت است. ولی ربطی به مغایرت مفهومی وجود و ماهیت ندارد؛ یعنی با عینیت این دو مفهوم هم سازگار است. ۴ هر چند این عبارت درست است، اما استدلالی بر «اصل زیادت وجود بر ماهیت» نیست، بلکه بیانی از خود همین اصل است.

۳ اگر به شینی اشاره کنیم و بگوییم «این چیست» به معنای درک هستی و عدم درک چیستی است؛ ولی هر اشاره‌ای برای پرسیدن چنین سؤالی نیست. مثلاً می‌توان به یک ماهیت اشاره کرد و پرسید «آیا این (ماهیت) وجود دارد». در این صورت، چنین سؤالی به معنای درک چیستی و عدم شناخت هستی است.

۲۴۲۵- گزینه ۲ ✖

نکته: نگاه به اجزای تشکیل‌دهنده، مورد نظر علم شیمی است. در مقابل، فیلسوف برای تحلیل هر واقعیاتی آن را امر واحد در نظر می‌گیرد و از وجوه مفهومی بررسی‌اش می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در اولین گام، واقعیت و امکان شناخت آن پذیرفته می‌شود، نه اثبات. این امور بدیهی‌اند و قابل اثبات نیستند. ۳ اشاره به یک امر ذهنی هم به معنای وجود ذهنی آن امر است. اصولاً هر اشاره‌ای به وجود مشألیه به نحو واقعی یا ذهنی دلالت می‌کند. ۴ حمل خود ماهیت و اجزای ذاتی آن نیازمند دلیل نیست، ولی حمل امور مربوط به ماهیت که جزء ذاتیات آن نیستند، به دلیل نیاز دارد. مثلاً «دارای مجموع زوایای ۱۸۰ درجه» بودن مربوط به ماهیت مثلث می‌شود و حمل آن به دلیل نیاز دارد. ۲ پزشک وجود غده را تشخیص داده و در پی تشخیص نوع و ماهیت آن است که آزمایش می‌نویسد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ اگر موتورهای درست کار کنند یعنی هیچ نقصی وجود ندارد، ولی اگر درست کار نکنند صرفاً وجود نقص مشخص می‌شود و نوع آن را باید بعد از معاینه فنی تشخیص داد؛ پس تکنیسین با روشن کردن موتور به دنبال تشخیص وجود نقص است، نه نوع آن. ۳ زیست‌شناس از چیستی علائم حیاتی مطلع است و به دنبال هستی آن در سیارات دیگر می‌گردد. ۴ سرآشپز می‌داند ادویه کاری چیست، ولی به دنبال وجود آن است.

۲۴۲۷- گزینه ۱ ✖ حمل «الف» بر «ب» یعنی «ب الف است». و حملی که محمولش خود موضوع یا تعریف حقیقی و ذاتی موضوع یا از اجزای تعریفی (ذاتیات) موضوع باشد، بی‌نیاز از دلیل است و دیگر حمل‌ها همگی به دلیل نیاز دارند؛ بنابراین حمل «دارای اضلاع برابر» بر «لوزی»، حمل بی‌نیاز از دلیل است، زیرا «دارای اضلاع برابر» جزء تعریف ذاتی لوزی است و این‌که «لوزی دارای اضلاع برابر است» نیاز به دلیل ندارد. هم‌چنین تعریف حقیقی «مربع»، «چهارضلعی دارای اضلاع برابر و زوایای قائمه» است و «مستطیل» که «چهارضلعی دارای زوایای قائمه» است، جزئی از تعریف آن محسوب می‌شود؛ بنابراین گزاره «مربع مستطیل است» نیاز به دلیل ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ قسمت اول نیاز به دلیل دارد زیرا گیاهان، جانداران غیرحساس هستند؛ پس نمی‌توان حساس بودن را جزء ذات جانداران در نظر گرفت. قسمت دوم به دلیل نیاز ندارد، زیرا پرند براساس تعریفش نوعی حیوان (جسم نامی حساس) است و جسم نیز براساس تعریفش امری سه‌بعدی است؛ بنابراین «سه‌بعدی» را نیز می‌توان از اجزای تعریفی پرندگان به حساب آورد که بدون دلیل بر آن حمل می‌شوند. ۳ این‌که «عدد گسسته است» بی‌نیاز از دلیل است، زیرا تعریف عدد «مقدار ثابت گسسته» است، اما این‌که «مثلث سه‌گوش است» به دلیل نیاز دارد چون تعریف مثلث «شکل سه‌ضلعی» است، نه «شکل سه‌گوش». ۴ تصور بنا بر تعریف «دانش بدون حکم» است؛ بنابراین حمل «دانش» بر «تصور» بی‌نیاز از دلیل است. اما حمل آب بر بی‌رنگ، به دلیل نیاز دارد زیرا اگرچه آب بی‌رنگ است ولی هر بی‌رنگی آب نیست. مثلاً یخ و شیشه هم بی‌رنگ هستند؛ پس نمی‌توان بدون دلیل گفت: «بی‌رنگ آب است».

۲۴۲۸- گزینه ۲ ✖

تکنیک در سؤالات دوقسمتی که خواسته سؤال در قسمت اول با خواسته سؤال در قسمت دوم متفاوت است، بهتر است ابتدا قسمت اول همه گزینه‌ها بررسی شود، سپس قسمت دوم همه گزینه‌ها تا از اشتباهات ناشی از بی‌دقتی جلوگیری شود.

بررسی قسمت اول گزینه‌ها (باید بی‌نیاز از دلیل باشد):

- ۱ «عدد ۲ زوج است» نیاز به دلیل دارد زیرا زوج بودن، جزء تعریف ۲ (۱+۱) نیست بلکه اثبات می‌شود (۲ تقسیم بر ۲ باقی‌مانده ندارد). ✖
- ۲ و ۳ حیوانات (جانوران) دارای ویژگی‌های ذاتی «حساس» و «متحرک» با اراده هستند. ✓

۴ دایره دقیقاً همان سطح محدود به یک منحنی بسته است. پس این حمل نیاز به دلیل ندارد. ✓

بررسی قسمت دوم گزینه‌ها (باید نیازمند دلیل باشد):

- ۱ شکل همان سطح محدود است؛ بنابراین چنین حملی نیاز به دلیل ندارد. ✓
- ۲ مستطیل چهارضلعی است؛ یعنی سطح محدود به چهار پاره‌خط است، نه خود آن چهار پاره‌خط. پس حمل چهار پاره‌خط بر مستطیل نادرست و مانند هر حمل نادرست دیگری نیازمند دلیل است. (البته چون نادرست است هیچ‌گاه دلیل معتبری برای آن یافت نخواهد شد). ✓

۲۴۵۰- گزینه ۳»

نکته: وقتی ماهیاتی را تصور می‌کنیم که موجود نیستند، یعنی ماهیت بدون وجود تحقق دارد و این یعنی مغایرت وجود و ماهیت در ذهن.

۱ اگر مغایر نبودند هم می‌شد آن‌ها را بر هم حمل کرد. مثلاً دو مفهوم انسان و حیوان ناطق که مغایر نیستند هم قابل حمل بر یکدیگر هستند و می‌توان گفت: «انسان حیوان ناطق است». ۲ غیر از خداوند سایر موجودات همگی ماهیت دارند پس نمی‌توان گفت چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند (توجه کنید که خداوند، واحد است و «چیزها» محسوب نمی‌شود). ضمن این که به نظر می‌رسد بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابتدا در مورد ممکن‌الوجودها مطرح شده است لذا اساساً باید خداوند را خارج از این بحث دانست. ۳ هر ماهیتی اگر در خارج تحقق داشته باشد، موجود است و سلب وجود از آن امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین سلب وجود از ماهیت، فقط در ذهن امکان‌پذیر است.

۲۴۵۱- گزینه ۴»

وقتی ذات یک شیء یا اجزای ذاتی‌اش بر آن شیء حمل شوند، نیازی به دلیل نیست. پلاتین نوعی فلز است که در تعریف حقیقی آن «فلز بودن» وجود دارد؛ بنابراین حمل «فلز» بر «پلاتین» بی‌نیاز به دلیل است.

سایر گزینه‌ها: در هیچ کدام محمول ذات موضوع یا جزئی از ذات موضوع نیست. توجه کنید که ضروری بودن یا بی‌نیاز به دلیل بودن متفاوت است (هر بی‌نیاز به دلیلی ضروری هم هست ولی برخی ضروری‌ها نیازمند دلیل‌اند مثل قضایای ریاضی). در این جا هم ۲ و ۳ ضروری‌اند ولی نیازمند دلیل هم هستند.

۲۴۵۲- گزینه ۳»

نکته: وقتی به چیزی اشاره می‌کنیم؛ یعنی اشاره ما مرجعی دارد که همان مرجع به نحوی موجود است. در اشاره‌های حسی به یک واقعیت خارجی اشاره می‌کنیم و در اشاره‌های ذهنی به یک وجود ذهنی؛ پس به هر حال هر اشاره‌ای مستلزم این است که به نوعی به وجود مشأ‌الیه باور داشته باشیم. البته ممکن است باور ما درست نباشد، ولی به هر حال بدون این باور اشاره کردن غیرممکن است.

۱ هر واقعیتی (موجودی) این دو حیثیت را دارد، نه هر چه فرض شود. مثلاً سیم‌رغ به عنوان یک فرض خیالی، هستی ندارد. ۲ ظاهراً مقصود از «وجود همان چیز» مفهوم «وجود» با قید تعلق به آن ماهیت است و رابطه عموم و خصوص مطلق می‌شود، زیرا «هر وجود یک شئی مصداقی ماهیت آن شیء هم هست» ولی «بعضی از مصداقی فرضی و خیالی آن ماهیت، مصداق وجود آن نیستند». به هر حال قطعاً رابطه ماهیت یک چیز با وجودش، تساوی نیست. ۳ ممکن است ماهیت را شناخته باشیم و فقط در مورد وجود اشتباه کرده باشیم. مثلاً وقتی شئی را از دور گریه می‌پنداریم و جلو می‌رویم و متوجه می‌شویم که سنگ بوده است، ما همچنان گریه را به درستی می‌شناسیم ولی در مورد وجود آن گریه خطا کرده‌ایم.

۲۴۵۳- گزینه ۴»

اگر وجود جزء ماهیات باشد، مثل بقیه اجزای ماهیات، برای آن‌ها ذاتی و ضروری خواهد بود و هرگز از آن‌ها جدا نخواهد شد؛ بنابراین همه ماهیات واجب‌الوجود خواهند شد.

با توجه به اینکه در فرض صورت سؤال، «وجود» جزء ماهیت است، نه عین آن، پس هنوز اجزای دیگر ماهیت، به عنوان عامل تفاوت بین «وجود» و «ماهیت» مورد پذیرش هستند. پس می‌توان گفت از واقعیت دو مفهوم مختلف وجود و ماهیت را می‌توان انتزاع کرد (رد ۱) و وجود و ماهیت عین هم نیستند (رد ۲) و ماهیت‌ها به جهت اجزای غیر از وجودشان، همچنان با هم متفاوت‌اند (رد ۳). به عنوان مثال، در فرض صورت سؤال، می‌توان گفت ماهیت انسان و ماهیت مثلث، به ترتیب «حیوان ناطق موجود» و «شکل سه‌ضلعی موجود» هستند. در این صورت این دو مفهوم عین هم نیستند و تفاوت دارند و می‌توان آن‌ها را جدا از وجود محض، از انسان و مثلث انتزاع کرد (حیوان ناطق موجود و شکل سه‌ضلعی موجود هم با هم متفاوت‌اند و هم با «وجود»).

۲۴۵۴- گزینه ۲»

در نگاه اول این سؤال هم می‌تواند مربوط به درس ۱ فلسفه ۲ باشد و هم درس ۱.۲. اگر حمل 180° بر زوایای داخلی مثلث، از نظر نیازمندی به دلیل بررسی شود، مربوط به درس ۱ است و اگر از نظر ضروری بودن مورد نظر باشد، مربوط به درس ۲ است، اما از آن‌جا که حمل‌های مطرح‌شده در همه گزینه‌ها ضروری‌اند، متوجه می‌شویم این سؤال مربوط به درس ۱ است و باید در گزینه‌ها به دنبال حمل نیازمند به دلیل باشیم.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «قابل صدق و کذب» در تعریف «قضیه» وجود دارد و حمل آن نیازمند به دلیل نیست. ۲ «راست‌قامت» در تعریف «انسان» (حیوان ناطق) نیست و حمل آن نیازمند به دلیل است. ۳ «اندیشنده» در تعریف «انسان» هست، زیرا مقصود از «ناطق» همان «متفکر» یا «اندیشنده» است؛ بنابراین حمل آن نیاز به دلیل ندارد. ۴ هر «تصدیقی» طبق تعریف، «دانش» است پس حمل «دانش» بر «تصدیق» به دلیل نیاز ندارد. x

۲۴۵۵- گزینه ۳»

حمل «الف» بر «ب» یعنی «ب الف است». حمل «ناطق» بر «حیوان»، نیازمند دلیل و امکانی است زیرا حیوان می‌تواند ناطق باشد (انسان) و می‌تواند نباشد (مثل گربه).

۲۴۵۶- گزینه ۲»

وقتی در تشخیص ذات و ماهیت یک موجود تردید داریم ولی از وجودش مطمئن هستیم؛ یعنی پذیرفته‌ایم که ممکن است به هستی یک چیز علم داشته باشیم ولی از حقیقت آن ناآگاه باشیم. پس این که «علم به هستی یک چیز مستلزم آگاهی از حقیقت آن نیست» تأیید می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ تشخیص ذاتیات همان تشخیص حقیقت است و طبعاً نمی‌توان ذاتیات را بدون حقیقت شناخت ولی این مطلب از سوی عبارت صورت سؤال تأیید نمی‌شود. ۳ اولاً این که دلیل منحصر در عقلی یا حسی است، از سوی صورت سؤال تأیید نمی‌شود. ثانیاً در صورت سؤال ما به وجود علم داریم و در ماهیت تردید داریم پس در این شرایط برای وجود دلیل نمی‌خواهیم. پس می‌توان گفت مطلب صورت سؤال به طور مستقیم و بی‌واسطه نیازمندی حمل وجود به دلیل را تأیید نمی‌کند.

تذکره: از مطلب صورت سؤال می‌توان برداشت کرد که ماهیت و وجود مغایرت دارند و از این مغایرت می‌توان فهمید که حمل وجود بر ماهیت به دلیل نیاز دارد. اما مطلب مورد نظر به طور با واسطه مؤید نیازمندی حمل وجود به دلیل است و به همین جهت ۲ که مستقیماً تأیید می‌شود، نسبت به ۳ مناسب‌تر است. ۴ لزوماً این‌طور نیست. این که صورت سؤال حالتی را در نظر گرفته است که علم به وجود قبل از علم به ماهیت تحقق یافته است، به این معنا نیست که همیشه این‌گونه است. مثلاً انسان ماهیت آب موجود در دیگر سیارات را می‌فهمد ولی در وجود آن ممکن است تردید داشته باشد.

۲۴۵۷- گزینه ۱»

فانی بودن از ضروریات مخلوقات است ولی جزء تعریفی آن‌ها نیست؛ بنابراین نیازمند دلیل است. مرگ‌اندیشی سه معنا می‌تواند داشته باشد: یکی این که انسان‌ها گاهی به مرگ می‌اندیشند، و دیگری این که انسان قابلیت تفکر درباره مرگ را دارد و سوم این که انسان‌ها مانند سایر حیوانات برای بقای خود و دوری از مرگ تلاش می‌کنند و ابزار انسان برای این امر برخلاف سایر حیوانات تفکر است، نه صرفاً غریزه. به نظر می‌رسد معنای اول ضروری نیست ولی معنای دوم و سوم برای انسان ضروری خواهد بود. اما طبعاً مرگ‌اندیشی هم جزء تعریف انسان (حیوان ناطق) نیست و نیاز به دلیل دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ برای حمل هستی بر چیستی نیازمند دلیل حسی و تجربی یا عقلی محض هستیم، اما در مورد برعکس این مطلب، یعنی حمل چیستی بر هستی دو نکته حائز اهمیت است: اول این که اگر مقصود از «چیستی» معنای عام آن، یعنی تمایزهای مشخص داشتن با غیر باشد، بدیهی است که هر هستی، چیز مشخصی است و چیستی خود را دارد و این نیازمند دلیل نیست (البته حمل اولی ذاتی هم نیست و مانند قضیه «واقعیتی هست» یا «شناخت ممکن است» از بدیهیات شایع صناعی است). ثانیاً در این گزینه سخن از حمل چیستی بر «مفهوم وجود» است، نه مصداق وجود! اگر طراح تمعداً از عبارت «مفهوم وجود» به جای «وجود» استفاده کرده باشد، می‌توان گفت که «مفهوم وجود» یک مفهوم بسیط (بدون اجزا) است و چیزی جز خودش (یعنی وجود) نیست و حمل چیستی (به معنای مقابل وجود، نه معنای عام) بر آن صحیح نیست. ۳ موجود واحد بودن، به این معنا نیست که از هستی و چیستی آن یک چیز می‌فهمیم بلکه در مواجهه با واقعیت واحد، دو مفهوم متفاوت هستی و چیستی را برداشت می‌کنیم. ۴ «حیوان» و «ناطق» اجزای تعریفی انسان هستند، ولی اجزای انسان (مصادق انسان) نیستند.

۲۴۵۸- گزینه ۲»

نکته: صورت سؤال بیان معنا را خواسته است و چنین خواسته‌ای به این معناست که کدام گزینه مفهوم «مغایرت وجود و ماهیت» را توضیح می‌دهد، نه این که کدام گزینه مستلزم مغایرت وجود و ماهیت و دلیل آن است. معمولاً در تست‌های فلسفه چنین دقتی در به کار رفتن الفاظ صورت سؤال وجود دارد. البته گاهی هم دیده شده که تعابیر صورت سؤال در این حد دقیق نیست که این موضوع معمولاً با توجه به گزینه‌ها و تطبیق نکردن آن‌ها با معنای دقیق صورت سؤال، قابل فهم است.

تعبیر «بیان معنا» در صورت سؤال به این معناست که کدام گزینه مفهوم «مغایرت وجود و ماهیت» را توضیح می‌دهد، نه این که کدام گزینه مستلزم مغایرت وجود و ماهیت و دلیل آن است. معنا و مفهوم «مغایرت وجود و ماهیت» همین است که از یک موجود در واقعیت، دو معنای مختلف می‌توان به دست آورد که یکی وجود و دیگری ماهیت است.